

اساسی در این بحث است، کارگران مدام در حال اعتصاب و تجمع و شکایت و دیگر اشکال مبارزه علیه این شرایط بوده اند. گرانی لجام گسخته در سالهای اخیر نیز به یک اعتراض مداوم کارگران برای افزایش دستمزدها دامن زده است. این عوامل به یک معنی تازه است. کارگران همیشه به اوضاع مشقت بار خود اعتراض داشته اند و اخراج و گرانی و سایر اجحافات

صفحه ۳

در ابتدای سال جاری در فرابورس به مزایه گذاشته شد و شرکت فولاد خوزستان در این مزایه این سهام را برده است. اکنون کارگران معدن بافق یزد نگران عواقب فروش سهام این معدن و خطر تعدیل نیروی انسانی و بیکار شدنشان از کار هستند. دلیلش نیز به روشنی اینست که خصوصی سازی ها راهی برای بیشتر باز گذاشتن دست کارفرمایان برای کشیدن کاره برده وار از گرده کارگران و تقلیل نیروی کار به حداقل

صفحه ۷

از دزدیهای میلیاردی به بهانه "اشتغالزایی" تا افزایش بیکاری

محمد شکوهی

اخبار کارگری

صفحه ۱۱

بسوی شکل دادن به جنبش مجمع عمومی گفتگو با اصغر کریمی

اقتصادی در دو سال گذشته به اوج خود رسیده است، معضلات کارگران را بسیار عمیق تر و حادثه تر کرده است. معضلاتی که در بسیاری از مراکز کارگری بطور مزمزم و ادامه دار جریان دارد. نپرداختن دستمزدها، اخراج و بیکارسازی وسیع، نپرداختن سهم

بیمه کارگران توسط کارفرما و بی اعتبار شدن دفترچه های بیمه درمانی و نیز زیر سوال رفتن سابقه کار و حقوق بازنشستگی کارگران از جمله مسائل حادی است که در سالهای گذشته بی وقفه ادامه یافته و در مقابل، و این فاکتور

اعتراض کارگران معدن بافق یزد بر سر چیست

شهلا دانشفر

اعتراض کارگران بافق یزد از ۲۸ اردیبهشت شروع شده و همچنان ادامه دارد. خبرها تا همین جان نشانگر قدرت اعتصاب ۵ هزار کارگر بافق یزد است که با خانواده هایشان بخش عظیمی از جمعیت این شهر را تشکیل میدهند و اعتراضات آنان بطور

واقعی به موضوع اعتراض کل این شهر تبدیل شده است. قضیه از این قرار است که در سال گذشته ۷۱۵ درصد از شرکت های معدن بافق یزد را دولت به صندوق بازنشستگی فولاد واگذار کرد. ۲۸۵ درصد از این سهام باقی ماند که آنهم

به جنبش مجمع عمومی تاکید کرده ایم. اما پارامترهای جدیدی در شرایط کنونی عمل میکنند که بنظر من شکل دادن به این جنبش را بیش از هر زمان امکانپذیر ساخته است. بحران عمیق و طولانی مدت اقتصادی در ایران که با تحریم های

کارگر کمونیست: اخیرا در مقاله ای در نشریه انترناسیونال گفته اید که زمان شکل دادن به جنبش مجمع عمومی فرارسیده است. چه فاکتورهایی در جنبش کارگری و شرایط سیاسی تغییر کرده که شما را به این نتیجه گیری رسانده است؟

اصغر کریمی: ما بعنوان حزب کمونیست کارگری همیشه بر تشکیل مجامع عمومی کارگری و ضرورت شکل دادن

آدرس دادن عوضی سندیکالیسم ایرانی به کارگران در باره بیکاری

ناصر اصغری

ای که کارخانه ها یکی پس از دیگری یا تعطیل و یا به انبار کالاهای وارداتی چینی، ترکیه ای و سایر کشورها بدل شدند. "اصل سود بیشتر با هزینه کمتر در زمان کوتاه تر" فقط اصل تاجر و سرمایه دار بدصفت نیست؛ اصل سیستم سرمایه داری است و خوب و بد هم نمی شناسد. اعتراض کارگری فشار بیاورد و گوش سرمایه داران و دولتشان را بکشد، عقب می نشینند و سر کیسه را برای یک دوره ای شل می کنند. اما اصل مهم و پایه ای این سیستم آدمکش بر همان

صفحه ۶

ایلنا روز ۱۷ خرداد ۹۳، گوشه هایی از صحبت های حسین اکبری، یکی از خط دهندگان سندیکالیسم ایرانی که سخنگوی "هیأت مؤسس سندیکاهای کارگری" نیز است را، درباره بیکاری در ایران منعکس کرده است. در جایی به نقل از حسین اکبری آمده است: "تجار گرد آمده در اتاق بازرگانی به عنوان اتاق فکر سرمایه داری با پیروی از اصل سود بیشتر با هزینه کمتر در زمان کوتاه تر، با واردات بی رویه کالا از کشورهای دیگر به خصوص چین، چوب حراج را به تولیدات داخلی نواختند، به گونه

به جنگ و حاکمیت فرقه های اسلامی در عراق باید پایان داد

دسته ها به کمپ ارتجاع و توحش و در مقابل مردم و خواسته های انسانی آنان قرار دارند. راه حل در دست توده مردم عراق و مردم آزادیخواه جهان است. فقط با اعمال اراده نیروی متحد و سازمانیافته مردم و حمایت جنبش آزادیخواهی بین المللی میتوان به خلاصی جامعه از شر این وحوش امید بست. باید توده مردم عراق در برابر جریانات مذهبی و قومی و در برابر کل ارتجاع داخلی و بین المللی نمایندگی شوند. پیش شرط تحقق این امر بمیدان آمدن نیروهای کمونیست و سکولار و آزادیخواه در جامعه عراق با پرچم یک دولت غیر قومی غیر مذهبی و یک جامعه مدرن و انسانی است.

یک رکن دیگر رهائی مردم عراق از شر داعش و بعثی های از قوت افتاده و دولت قومی- مذهبی مالکی، به میدان آمدن مردم آزاده و انساندوست جهان علیه سیاست های ارتجاعی و ضدانسانی دولت های عربستان و ایران و آمریکا و هم پیمانان آنها است که نقش اساسی در شکل دهی به این وضعیت فاجعه بار در عراق داشته اند. مردم دنیا باید با پرچم قطع دخالت این دولت ها در اوضاع عراق و قطع فوری جنگ و پایان دادن به حاکمیت جریانات قومی- مذهبی و دفاع از یک حکومت سکولار به حمایت از مردم ستم دیده عراق برخیزند. این گام موثری در جهت رهائی مردم عراق از وضعیت فاجعه بار جاری است.

حزب کمونیست کارگری شکل دهی به این حرکت را یک وظیفه مبرم خود در شرایط حاضر میداند و همه احزاب و نیروهای چپ و سکولار را به مبارزه در این راه فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ تیر ۱۳۹۳، ۲۳ ژوئن ۲۰۱۴

سناریو خونین و سیاه علیه مردم عراق و منطقه است. این نیروها و دولتهای ارتجاعی منطقه خود همانند دولت آمریکا و متحدینش جزئی از صورت مساله بحران عراق به شمار میروند. در شرایط حاضر جمهوری اسلامی تلاش میکند در برابر داعش و بعنوان یکی از نیروهای موثر در حل بحران عراق ظاهر بشود. اما واقعیت کاملا برعکس است. یک عامل مستقیم بحران و شرایط فاجعه بار کنونی در عراق، سیاستها و دخالتگریهای مداوم جمهوری اسلامی در اوضاع عراق در دوره بعد از صدام بوده است و امروز هم جمهوری اسلامی همین نقش را ایفا میکند. تردیدی نباید داشت که مقابله دولتهای ارتجاعی ای نظیر حکومت اسلامی ایران و مالکی و آمریکا و متحدینشان با نیروهای ضد انسانی داعش و بعثی ها و دستجات قومی- عشیره ای و حامیان منطقه ای شان، تنها میتواند ابعاد فاجعه را گسترش داده و به کشورهای دیگری نیز سرایت بدهد.

تنها راه رهایی مردم از جهنمی که این نیروها برپا کرده اند جابرو کردن ارتجاع درنده خوی اسلامی از حیات سیاسی و اجتماعی عراق و کل خاورمیانه است. مردم عراق مانند مردم کل منطقه خواهان حکومت و جامعه ای بری از تبعیضات و نفرت پراکنی ها و تخاضات قومی و مذهبی هستند. انقلابات موسوم به بهار عرب این واقعیت را به روشنی در برابر انظار جهانیان قرار داد. باید جهانیان بدانند که راه برون رفت از شرایط فاجعه بار کنونی نه مانورهای دیپلماتیک و سیاسی و نظامی آمریکا و دولتهای منطقه نظیر عربستان و جمهوری اسلامی است و نه دست بالا پیدا کردن این یا آن فرقه مذهبی و عشیرتی و سر هم بندی کردن دولت دیگری از سران این دستجات. همه این دولتها و دار و

تصرف بخشهای زیادی از کشور عراق بوسیله جریان تروریستی داعش، کشتار وحشیانه و بیرحمانه هزاران انسان بیگناه از زن و مرد و کودک و خانه خرابی و آوارگی صدها هزار نفر از مردم این کشور را به دنبال داشته است. شکل گیری و گسترش یک جنگ کثیف و وحشیانه در میان جریانات اسلامی سنی و شیعه جامعه عراق را در آستانه فروپاشی کامل قرار داده است. این جنگ بر متن و در ادامه ده سال کشمکش فرقه های قومی و مذهبی در یک جامعه در هم ریخته صورت میگیرد. زمینه های سیاسی و اجتماعی این توحش را لشکرکشی آمریکا و متحدینش به عراق در سال ۲۰۰۳ فراهم آورده است. این تهاجم نظامی که خود جزئی از استراتژی تامین هژمونی دولت آمریکا بر جهان بعد از جنگ سرد (دکترین نظم نوین جهانی) بود، تعادل و تناسب قوای سنتی در خاورمیانه را به هم ریخت و میدان را برای ابراز وجود و عرض اندام نیروهای رنگارنگ مذهبی و قومی و عشیرتی در جغرافیای سیاسی خاورمیانه فراهم آورد. این نیروها نه تنها در عراق بلکه در افغانستان و پاکستان و سوریه و بخشا در فلسطین میداندار شدند و زندگی توده های مردم را بیش از پیش به تباهی کشاندند. داعش یکی از هارترین و وحشی ترین این نیروها است.

جنگ بین دولت مالکی و داعش جنگی نه در قالب کشمکش بین اسلام سیاسی و آمریکا و غرب، بلکه در چارچوب رقابتهای دولتها و نیروهای منطقه ای و مشخصا جمهوری اسلامی و عربستان بر متن شکست نظم نوین آمریکائی قرار دارد. جمهوری اسلامی خود در ایجاد شرایط فاجعه بار حاضر در عراق مستقیما نقش داشته است و امروز هم به عنوان یکی از نیروهای سیاه مذهبی یک پای این

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران
درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: محمدرضا پویا

mohammadreza.pooya@gmail.com

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

شها دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com

داوود رفاهی

dawood.refaahi@gmail.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

محمد شکوهی

moshokohi@yahoo.de

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

مرتضی فاتح

mor.fateh@gmail.com

نسان نودینیان

nandiniannasroola@yahoo.de

Tel: 0046 739 318 404

Fax: 0046 864 897 16

markazi.wpi@gmail.com

دفتر
مرکزی
حزب

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست.

درج مقالات در کارگر کمونیست لزوما به معنی

تائید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

کارگر کمونیست را تکثیر کنید و آنها بدست دوستان و آشنایان برسانید!

از صفحه ۱

بسوی شکل دادن به جنبش مجمع عمومی

گفتگو با اصغر کریمی



اصغر کریمی: شوراهای کارگری تفاوت مهمی با مجمع عمومی دارد. مجمع عمومی، پایه و مبنای هر شورای واقعی کارگری است اما شورا هم ساختار تکامل یافته تری دارد، هم وظایف مهمتر و توان بسیار بیشتری دارد و هم شرایط ایجاد این دو متفاوت است. مجمع عمومی ساده ترین ظرف شکل است، تقسیم کار خاصی ندارد و هنوز یک تشکیلات پایداری نیست. اما شورا یک سازمان همه جانبه با تقسیم کار متنوع برای انجام تصمیمات مختلف و گزارشدهی به مجمع عمومی بعدی است. در یک مجمع عمومی ساده هم کارگران نمایندگانی برای پیشبرد خواست های خود انتخاب میکنند اما این با سازمانی که یک شورای واقعی دارد بسیار متفاوت است. مجمع عمومی سنگ بنا و نطفه شورا است. شورا میتواند کنترل تولید و توزیع را بهعهده بگیرد، میتواند کارگران اخراجی را به سر کار بیاورد و یا کارگران بیشتری استخدام کند و خیلی تصمیمات مهم دیگر نیز بگیرد. اینها از توان یک مجمع

و اعتصاب عمومی شکل نگرفته است. در مقیاس جامعه هم این صدق میکند یعنی خواست مشترک برای یک عمل مشترک کافی نیست. عوامل توازن قوا، سازمان و رهبری فاکتورهای حیاتی دیگر هستند که بدون آنها یا لاقط برخی از آنها اعتصاب عمومی عملی نمیشود. شکل گیری جنبش مجمع عمومی زمینه را برای اعتصابات بزرگ سراسری یا منطقه ای آماده تر میکند. شکل گیری مجمع عمومی منظم و یا مکرر در تعداد قابل توجهی از مراکز کارگری طبقه کارگر را یک گام بزرگ از نداشتن سازمان توده ای خود بیرون میآورد. جنبش مجمع عمومی خواه ناخواه طیفی از رهبران کارگری را نیز در مراکز مختلف کارگری به جلو صحنه میآورد و به تغییرات مهمی در موقعیت مبارزاتی طبقه کارگر منجر میشود. اعتصاب منطقه ای، شهری یا سراسری میتواند یک نتیجه شکل گیری جنبش مجمع عمومی باشد.

کارگر کمونیست: در ادبیات سیاسی حزب همواره بر این نکته تاکید شده است که مجمع عمومی پایه ای برای ایجاد شوراهای کارگری است. آیا

و اعتراضی تشکیل دهید و آنرا به یک اقدام ثابت و منظم ماهانه و یا هفتگی تبدیل کنید.

کارگر کمونیست: معولا یکی از زمینه ها برای شروع اعتصابات منطقه ای و یا سراسری، وجود خواسته های مشترک در جنبش کارگری است ولی شما گفته اید که ایجاد جنبش مجمع عمومی است که

شکل دادن به جنبش مجمع عمومی بهترین رکن پیشروی طبقه کارگر در اوضاع کنونی است. در همه مراکز کارگری از کارخانه ها و معادن تا کارگران خدمات از جمله شهرداری ها که مدام با مشکل دستمزد و غیره مواجهند باید سرعت دست به کار برگزاری مجمع عمومی و منظم کردن آن شد. این جنبش را باید شکل داد. این واقعی ترین و عملی ترین راه متشکل شدن کارگران در شرایط کنونی است و این یک مساله حیاتی و استراتژیک طبقه کارگر است.

زمینه را برای اعتصابات سراسری بوجود می آورد. رابطه این دو با هم چیست؟

اصغر کریمی: وجود خواست مشترک برای اعتصابات سراسری حیاتی است یعنی بدون خواست یا خواست های مشترک روشن است که اقدام مشترک هم صورت نمیگیرد. اما خواست مشترک برای تبدیل شدن به یک عمل مشترک کافی نیست. سالهای طولانی است که جنبش کارگری در ایران خواست های مشترکی دارد

که صرفنظر از اینکه مشکلی داشته باشند یا نداشته باشند مجمع عمومی خود را تشکیل میدهند. این تصمیم بسیار مهمی بود که میتواند سرآغاز شکل دادن به جنبش مجمع عمومی در ایران باشد. مجمع عمومی سنتی جا افتاده در اعتراضات کارگری و یک شکل ثابت تصمیم گیری جمعی در بسیاری از مراکز کارگری در طول حاکمیت جمهوری اسلامی بوده است اما صرف تشکیل مجمع عمومی در برخی مراکز آنهم در فواصل زمانی طولانی مترادف با جنبش مجمع عمومی نیست. در یکی دو سال گذشته و همراه با رشد جنبش کارگری تعداد مجمع عمومی ابعاد کاملا تازه ای یافته است. بعنوان نمونه در همین یکسال اخیر میتوان به برگزاری مجمع عمومی در پلی اکریل اصفهان، فولاد زاگرس در قروه، صنایع فلزی تهران، کیان تاین، معدن چادرملمو و پروفیل ساوه اشاره کرد. در برخی از این مراکز تنها در چند ماه گذشته چندین بار مجمع عمومی تشکیل شده و جالب است که کارگران برخی از این مراکز چنان به اهمیت آن پی برده و به سنت پایداری در میان آنها تبدیل شده که بعضا در مقابل ادارات دولتی و یا در پارک و خیابان دست به تشکیل مجمع عمومی زده اند. قبل تر نیز کارگران پتروشیمی های ماهشهر و بازنشستگان ذوب آهن اصفهان بارها دست به تشکیل مجمع عمومی زده بودند. یک علت تشکیل مداوم مجمع عمومی در این مراکز تداوم مشکلاتی است که بالاتر توضیح دادم. بر متن چنین شرایطی است که اقدام کارگران پروفیل ساوه را باید به مثابه فراخوانی به همه مراکز کارگری تلقی کرد: مجمع عمومی را در جریان هر اعتصاب

کارفرماها و دولت یک امر همیشگی بوده است اما اینها در دو سال گذشته ابعاد بی سابقه ای پیدا کرده است. بطوریکه امروز در صدها مرکز کارگری شاهد یک کشمکش دائمی هستیم و تعداد مراکز کارگری که با این شرایط مواجه میشوند هرروز افزایش می یابد. این وضعیت اولاً به تشکیل مجامع عمومی در ابعادی بسیار فراتر از گذشته منجر شده و بدلیل تداوم این معضلات و این کشمکش زمینه برای شکل دادن به مجمع عمومی منظم فراهم شده است.

یک نکته مهم دیگر را نیز باید اینجا اضافه کنم و آن اینکه سازمانیابی کارگران و از جمله تشکیل مجمع عمومی بعنوان پایه هر تشکل توده ای رادیکال در میان کارگران در کوران مبارزه شکل میگیرد. فقدان حقوق پایه ای کارگران، تشکیل مجمع عمومی در یک روز معمولی و بدون اعتصاب و اعتراض اگر غیر ممکن نباشد، بسیار دشوار است. اما زمانی که کارگر دست به اعتصاب میزند، عملاً همه موانع بر سر تشکیل مجمع عمومی را رفع کرده است. در جریان اعتصاب کارگران اغلب در کارخانه حضور دارند و دست به تجمع میزنند و در چنین حالتی جلوگیری از تشکیل مجمع عمومی توسط کارفرما و حراست و دیگر نیروهای سرکوب عملی نیست. و از آنجا که اعتراض و اعتصاب به یک رکن ثابت در بسیاری از مراکز کارگری تبدیل شده است، تشکیل مجمع عمومی نیز میتواند و باید به یک رکن ثابت تصمیم گیری کارگران تبدیل شود.

روز ۱۹ خرداد امسال کارگران پروفیل ساوه در مجمع عمومی خود تصمیم به تشکیل مجمع عمومی در هر ماه در یک روز معین به مدت ۴۵ دقیقه تا یک ساعت گرفتند و اعلام کردند

در جریان اعتصاب کارگران اغلب در کارخانه حضور دارند و دست به تجمع میزنند و در چنین حالتی جلوگیری از تشکیل مجمع عمومی توسط کارفرما و حراست و دیگر نیروهای سرکوب عملی نیست. و از آنجا که اعتراض و اعتصاب به یک رکن ثابت در بسیاری از مراکز کارگری تبدیل شده است، تشکیل مجمع عمومی نیز میتواند و باید به یک رکن ثابت تصمیم گیری کارگران تبدیل شود.

عمومی ساده خارج است. شورا بطور واقعی در یک شرایط انقلابی و یا زمانی که دولت به هر دلیل توان سرکوبش را از

تفاوتی بین این دو میباشد؟ آیا شما بین جنبش مجمع عمومی و مجمع عمومی تفاوتی قائل هستید؟

دست داده و کنترل جامعه بدرجات از دستش خارج شده است امکان وقوع می یابد اما مجمع عمومی را در بدترین شرایط اختناق نیز میتوان تشکیل داد. جنبش مجمع عمومی اما در مقایسه با برگزاری مجامع عمومی پراکنده گام های بزرگی به جلو است. قدرت بیشتری به کارگران میدهد، تقسیم کار ثابت تری میتواند بوجود بیاورد و زمینه را برای شوراهای کارگری در یک توازن قوای بهتر فراهم میکند.

کارگر کمونیست: شما در بحثتان اشاره ای به سنیکا نکرده اید. چرا؟ چرا شما فکر میکنید که اصولا مجمع عمومی و در فازی پیشرفته تر شوراهای کارگری، ظرف مناسبتری برای سازمانیابی طبقه کارگر هستند؟

اصغر کریمی: سنیکا یکی از اشکال سازمانیابی توده ای کارگران است و در هر مرکز کارگری در ایران ایجاد شود یک گام موثر اعتراضات کارگران را ارتقا میدهد. تا جایی که من میدانم در سی سال گذشته تنها دو سنیکا در ایران تشکیل شده است سنیکای کارگران شرکت واحد و سنیکای کارگران نیشکر هفت تپه که دستاورد مهمی برای کارگران این دو مرکز و کل جنبش کارگری بوده است. یک نتیجه مهم این دو تشکل علیرغم اینکه با سرکوب شدیدی مواجه شدند و عملا در حال حاضر بعنوان یک تشکل توده ای امکان فعالیت ندارند، به جلو صحنه راندن تعدادی از رهبران کارگری در این دو مرکز بوده است. هر تشکل کارگری همراه است با شکل گرفتن یک رهبری و این اهمیت استراتژیک در جنبش کارگری دارد. اما جمهوری اسلامی این دو تشکل را تحمل نکرد و با دستگیری فعالین و رهبران آن عملا این دو تشکل را زمینگیر کرد. این دو سنیکا بعنوان یک

دستاورد ارزشمند همچنان در میان کارگران زنده است و به مجرد اینکه کمی اوضاع عوض شود سرعت احیا میشوند و فعالیتشان را از سر میگیرند. اما همین دو مورد نشان داد که در شرایط کنونی ایران ایجاد سنیکای کارگری ادامه کار در مراکز کارگری اگر غیر ممکن نباشد، با دشواری و هزینه زیادی همراه است اما مجمع عمومی و همینطور مجمع عمومی منظم در شرایط کنونی کاملا امکانپذیر است و هزینه بسیار کمتری برای کارگران و رهبران کارگری دارد.

اما علاوه بر مساله امکانپذیری، سنت شورائی یک سنت بسیار رادیکال در جنبش کارگری است. اساسش بر مجمع عمومی استوار است و این نه تنها پوشش محکمی به فعالین آن میدهد

شکل گیری جنبش مجمع عمومی زمینه را برای اعتصابات بزرگ سراسری یا منطقه ای آماده تر میکند. شکل گیری مجمع عمومی منظم و یا مکرر در تعداد قابل توجهی از مراکز کارگری طبقه کارگر را یک گام بزرگ از نداشتن سازمان توده ای خود بیرون میآورد. جنبش مجمع عمومی خواه ناخواه طیفی از رهبران کارگری را نیز در مراکز مختلف کارگری به جلو صحنه میآورد و به تغییرات مهمی در موقعیت مبارزاتی طبقه کارگر منجر میشود. اعتصاب منطقه ای، شهری یا سراسری میتواند یک نتیجه شکل گیری جنبش مجمع عمومی باشد.

بلکه مجمع عمومی ظرفی برای دخالت توده کارگر است و این به کارگران شخصیت میدهد، نظر و رایشان شنیده میشود،

تصمیم جمعی کارگران نه تنها مانع بوروکراتیسم و بیگانه شدن توده کارگر میشود بلکه همچنین به یکپارچگی آنها کمک میکند، آنها را برای اعتراض آماده نگه میدارد، امکان ارباب نمایندگانش را کاهش میدهد و قدرتشان را آنها میشناساند. نمایندگان منتخب مجمع عمومی پشتشان گرم است، نفس جمع شدن کارگران در یک اجتماع و تصمیم گیری بسیار روحیه بخش است. کارگران در مجمع عمومی قدرت خود را مبینند. مجمع عمومی یک ظرف بسیار مناسب برای تأمین رهبری اعتراض کارگران است.

انقلاب ۵۷ همچنین نشان داد که این سنت علیرغم دهها سال خفقان و محرومیت کارگران از هر نوع تشکلی، تا چه حد زمینه رشد دارد. تجربه سه دهه اخیر نیز کارائی، امکانپذیری و زمینه جنبش شورائی را بخوبی نشان داده است. کافی است به تجربه همین یک سال اخیر نگاه کنید تا ببینید چگونه این سنت زنده و قوی است. شخصا تردیدی ندارم که اینبار با سست شدن کنترل حکومت و در پروسه سرنگونی و یا بلافاصله بدنبال آن شوراهای کارگری سراسر کشور را بسرعت فراخواهد گرفت و آنوقت است که با متشکل شدن کارگران قدرت واقعی آنها در جامعه نمایان خواهد شد. حزب کمونیست کارگری به این سنت تعلق دارد. ضمن اینکه همانطور که در ابتدا اشاره کردم از هر تشکلی از جمله سنیکاهای کارگری که منافع کارگران را نمایندگی کنند قاطعانه حمایت و آنها را تقویت میکنیم.

کارگر کمونیست: عله ای از فعالین کارگری معتقدند که شوراهای کارگری فقط در زمان اوج گیری انقلابی بوجود میآیند. نظر شما در این مورد چیست؟

اصغر کریمی: منم فکر میکنم شوراهای کارگری صرفنظر از حالات استثنائی، مربوط به دوره های انقلابی یا دوره ای است که بهر دلیل حکومت توان سرکوب و کنترل بر جامعه را بدرجات زیادی از دست داده

در دوره ارتقای مبارزات کارگری و گسترش آن به سر میبریم. اعتصابات در مراکز کلیدی وسعت می یابد، اعتصابات طولانی مدت یک خصوصیت اعتصابات این دوره است. توان حکومت برای مقابله با اعتراضات کارگری بطور محسوس کاهش یافته است و این البته یک نکته کلیدی و بسیار مهم است.

باشد. مثلا سالهای دهه بیست تا سی شمسی حکومت توان سرکوب زیادی نداشت و ایجاد شوراهای کارگری کاملا عملی بود. در شرایطی که حکومت تحمل یک سنیکا را ندارد و یا عبارتی کارگران از موقعیتی برخوردار نیستند که بتوانند آنرا ایجاد کنند روشن است که نمیتوان از ایجاد شوراهای کارگری صحبت کرد. ایجاد شوراهای کارگری به توازن قوای کاملا متفاوت میان مردم و حکومت بستگی دارد. در سالهای ۵۸ تا ۶۰ شوراهای کارگری بزرگی در تعدادی از مراکز کارگری شکل گرفت اما این مقطعی بود که جمهوری اسلامی هنوز خود را تشبیت نکرده بود، انقلاب هنوز فروکش نکرده بود، اعتصابات بزرگ کارگری در کنار جنبش دانشجویی و جنبش قدرتمند انقلابی در کردستان و غیره در جریان بود. به مجرد اینکه حکومت موفق به سرکوب مردم شد شوراها هم برچیده شد.

کارگر کمونیست: بعنوان آخرین سوال و با توجه به اوضاع و احوال کنونی چشم انداز اعتراضات

کارگری را چگونه می بینید و وظیفه رهبران عملی کارگری در این شرایط چیست؟

اصغر کریمی: بحران اقتصادی جمهوری اسلامی حل شدنی نیست بلکه در حال عمیق تر شدن است و معضلات کارگران هم مدام بیشتر میشود. ندادن حقوق ها ادامه پیدا میکند، مشکلات بیمه و بازنشستگی دامن کارگران بیشتری را میگیرد، ناامنی شغلی و خطر اخراج و تعطیلی کارخانه وسیعتر میشود، گرانی هرروزه گلوی کارگران را میفشارد و کارگران برای افزایش دستمزد به مبارزه خود شدت میدهند. در یک کلام در دوره ارتقای مبارزات کارگری و گسترش آن به سر میبریم. اعتصابات در مراکز کلیدی وسعت می یابد، اعتصابات طولانی مدت یک خصوصیت اعتصابات این دوره است. توان حکومت برای مقابله با اعتراضات کارگری بطور محسوس کاهش یافته است و این البته یک نکته کلیدی و بسیار مهم است. در مقابل اعتصاب طولانی مدت ۵۰۰۰ کارگر معدن بافق، اعتصابات مکرر کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران فولاد قروه، کارگران کیان تایر و دهها مرکز کارگری دیگر رژیم قادر به اقدام سرکوبگرانه آشکاری نبوده است. این نیز یک مشخصه این دوره است. نمیتوان به راحتی با کارگری که ماهها حقوقش پرداخت نمیشود و یا آشکارا در زمینه بیمه و بازنشستگی مورد اجحاف قرار میگیرد و آنهم در شرایطی که این مشکلات به صدها کارخانه سرایت کرده است مقابله کرد. در چنین شرایطی طبقه کارگر باید در مقابل این بحران و این تعرض به هست و نیستش و شغلش و زندگی اش سنگربندی محکمی ایجاد کند. این در شرایط کنونی امکانپذیر است. طبقه کارگر در بدترین موقعیت زیستی است اما فاکتورهای مهمی به نفع

صدها نفر از پرستاران تهران دست به تجمع اعتراضی زدند

طبق گزارشی که به حزب رسیده است، امروز اول تیرماه بیش از ۳۰۰ نفر از پرستاران بیمارستان امام خمینی دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان افزایش دستمزد و برخی دیگر از خواست های خود شدند. این تجمع به مدت دو ساعت از ۸ تا ۱۰ صبح امروز در محوطه بیمارستان برگزار شد و سه نفر از پرستاران موقع متفرق شدن دستگیر شدند.



پرستاران از تاریخ ۱۸ خرداد تا ۶ تیر را روزهای اعتراض اعلام کرده بودند تا با دستبندهای نارنجی اعتراض خود را به سطح پایین دستمزدهای خود نشان دهند. این اعتراض از سوی "خانه پرستار" فراخوان داده شده بود. اخیراً ۳۰۰ درصد به تعرفه پزشکی پزشکان اضافه شده است و پرستاران نیز خواهان افزایش ۳۰۰ درصد به تعرفه پرستاری هستند. کمبود پرستار در بیمارستان ها باعث فشار کار شدید روی پرستاران و از طرف دیگر پائین بودن استاندارد بهداشتی است. پرستاران



میخواهند به این وضعیت خاتمه داده شود، پرستاران بیشتری استخدام شوند و حقوق آنها نیز افزایش یابد. بنا به این گزارش روز ۲۸ خردادماه هیات تخلفات دانشگاه علوم پزشکی، حکم بازنشستگی پیش از موعد شریفی مقدم، دبیر خانه پرستار را تحت این عنوان که دست به تحریک پرستاران زده و آنها را به اعتراض فراخوانده است به جمع غیرقانونی به او ابلاغ کرد. این نیز یک موضوع اعتراض پرستاران است.

حزب کمونیست کارگری دستگیری پرستاران معترض را شدیداً محکوم میکند و از اعتراض پرستاران و خواست های آنها از جمله افزایش چند برابر دستمزد برای تامین یک زندگی انسانی و استخدام تعداد بیشتری پرستار و بالا بردن استانداردهای بیمارستان ها و خدمات به بیماران قاطعانه حمایت میکند و پرستاران و سایر پرسنل بیمارستان ها در سراسر کشور را به پیوستن به این اعتراض فرامیخواند. پرستاران دستگیر شده باید فوراً آزاد شوند. حزب مردم تهران و همه مردم در سراسر کشور را فرامیخواند که به هر شکل میتوانند از خواست های پرستاران دفاع کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ تیرماه ۱۳۹۳، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۴

مبارزات کارگری تغییر کرده است و این فاکتورها نسبتاً با ثبات است و کارگران پیشرو نباید این موقعیت را از دست بدهند. این موقعیت صرفاً به معنی دست زدن به اعتصاب نیست بلکه همراه با آن دست بردن به مشکل کردن کارگران است و مجمع عمومی مکرر و گاه هر روزه در طول اعتصاب و منظم کردن هفتگی یا ماهانه آن واقعی ترین ظرف سازمانیابی است.

شکل دادن به جنبش مجمع عمومی بهترین رکن پیشروی طبقه کارگر در اوضاع کنونی است. در همه مراکز کارگری از کارخانه ها و معادن تا کارگران خدمات از جمله شهرداری ها که مدام با مشکل دستمزد و غیره مواجهند باید سرعت دست به کار برگزاری مجمع عمومی و منظم کردن آن شد. این جنبش را باید شکل داد. این واقعی ترین و عملی ترین راه متشکل شدن کارگران در شرایط کنونی است و این یک مساله حیاتی و استراتژیک طبقه کارگر است.

این به نیاز مهم مبارزاتی کارگران برای دست زدن به اعتصابات منطقه ای نیز مستقیماً کمک میکند. پس با تمام قوا پیش بسوی شکل دادن به جنبش مجمع عمومی در کلیه مراکز کارگری.

کارگر
کمونیست
را
بخوانید

از صفحه ۱

آدرس دادن عوضی سندیکالیسم ایرانی به کارگران در باره بیکاری



برای خلاصی از این وضعیت باشد، حداقل باید از خاک پاشیدن به چشم کارگران و آدرس غلط دادن پرهیزد. منتها این انتظار بیجائی از سندیکالیسم ایرانی است که در تمام این ۳ دهه و نیم عمر جمهوری اسلامی، عصای دست این رژیم کارگرکش بوده است. سندیکالیسمی که نگرانی اش از رادیکالیزه شدن جنبش کارگری بسیار بیشتر از نگرانی از موقعیت معیشتی کارگران است.

۲۱ ژوئن ۲۹۱۴

ایران را از ادغام در چرخه عادی سرمایه داری جهانی دور نگه داشته، طوری که سرمایه داران داخلی و خارجی را از سرمایه گذاری در این کشور با شک و دودلی روبرو کرده است. بحث اصلی همه کارشناسان مسائل اقتصادی در ایران این است که این وضعیت سیاسی، اقتصاد هم اکنون داغان ایران را با فروپاشی کامل روبرو کرده است. کسی که به فکر کارگر و معیشت کارگران است و دلش برای بیکاران می سوزد، اگر نمی خواهد شریک تلاش کارگر

شغلی و بیکاری قرار دارند. این موقعیت وحشتناکی که بر این جامعه تحمیل شده است، حاصل سیاستهای یک دولت خاصی از جمهوری اسلامی نبوده است. حاصل سیاستهای کل رژیم جمهوری اسلامی است. اگر در کشورهای دیگر آمار بیکاری بین ۱۰ تا ۲۰ درصد است، رقم مربوطه در ایران بسیار بالاتر از این است! سیاستهای جنگ طلبانه و شاخ و شاخ شدن با غرب و صدور کثافات تروریسم اسلام طی ۳ دهه و نیم عمر جمهوری اسلامی، سرمایه داری

خاصی به آنها دارند. در ایران امروزه تعداد کسانی که از بیکاری رنج می برند و بار زندگی کردن بدون حداقل بیمه و تأمین اقتصادی و اجتماعی آنها هم بر عهده بخش کارکن آن افتاده است، بیشتر از تعداد کسانی است که هم اکنون شاغلند. بخشی از کسانی که به اصطلاح شاغلند ماهها پرداخت دستمزدهایشان به تعویق می افتد. اکثریت کسانی که شاغلند دستمزدشان زیر خط فقر است. کار و شغلشان هیچ بیمه ای ندارد. در معرض دائم ناامنی

سود بیشتر با هزینه کمتر و در زمان کوتاه تر است. اگر حسین اکبری در بین این جماعت زالوصفت که زندگی کودکان ما کارگران را گرو گرفته و به تباهی کشانده و خون ما را در شیشه کرده اند، یک سرمایه دار خوب می شناسد که اصل برایش چیز دیگری است به ما هم معرفی کند که بدانیم چگونه موجودی مورد نظرشان است.

نکته دیگر در بحث حسین اکبری معرفی واردات و صادرات بعنوان ریشه بیکاری و تعطیلی کارخانجات است. این البته همان گله و غرولند همیشگی خانه کارگریها و عوامل شورای اسلامی کار است که حسین اکبری و دیگر رفقایش ارادت

یادداشتی درباره مجامع عمومی کارگری

ناصر اصغری

تضمین می کند، و ۴ امکان زد و بند پشت پرده با کارفرمایان و همچنین ارباب نمایندگان کارگران را از کارفرمایان و دولتشان سلب می کند.

بالاخره برای فعالین گرایش چپ جنبش کارگری که اکنون شورا و مجمع عمومی بحث آنها در جنبش کارگری است، مسئله اصلی این است که کدام تشکل کارگری می تواند گره ای از معضل بی تشکلی کارگران در این برهه از تاریخ را بگشاید؟! قرار بود بحث حول "سندیکا" و "شورا" و "مجمع عمومی" بتواند راهی نشان بدهد که چگونه کارگران دست در دست هم بگذارند و متحدتر ابراز وجود بکنند.

۲۲ ژوئن ۲۰۱۴

کودکانه و کدورتی نالازم باید این باشد که کسی که "مجمع عمومی" را در تقابل با "سندیکا" مطرح می کند، چه می خواهد بگوید! پشت منطقی چه فلسفه ای خوابیده است. اگر با مجمع عمومی مخالفتی دارد، باید حداقل بتواند این چهار استدلال گرایش چپ را رد کند که (۱) مجمع عمومی کارگری کارگر را در سرنوشتش دخالت می دهد، (۲) برگزاری آن در شرایطی مثل ایران عملی و امکانش بیشتر است، (۳) امنیت و ادامه کاری رهبران و فعالین کارگری را بسیار بیشتر از سندیکا و اتحادیه

"مجمع عمومی تشکلی نیست که مختص به کارگران باشد. بلکه همه کس و حتی سرمایه داران و ریش سفیدان افغانی و آخوندها در مجلس خیرگان هم مجمع عمومی برپا می کنند." این که نشد جواب و منطق سیاسی! "انجمن صنفی کارفرمایان"، "اتحادیه کارفرمایان" و حتی "اتحادیه" را در گوگول تایپ کنید که دهها نوع اتحادیه کارفرمایی و سندیکای خودروشان و اتحادیه پارچه فروشان و غیره را ببینید. بحث هر آدم منصفی، جدا از بهانه گیریهای غیرسیاسی

موضوعات مختلفی می گیرند که در ادامه به ایجاد شوراهای کارگری منجر میشود. فرق مجمع عمومی و شوراهای کارگری با سندیکا و اتحادیه که هر کدام ابزار گرایشی از جنبش کارگری برای متشکل کردن کارگران هستند، اولاً این است که کارگر را حداقل هر روزه در زندگی روزمره تشکل و مسائل مربوط به کار و زندگی و سیاست دخالت می دهد. حکمت و دلیل نوشتن این یادداشت بحثی بود که چندی پیش یک نفر در یک مناظره رادیوئی مطرح می کرد که

مجمع عمومی کارگری اکنون به یک پدیده شناخته شده در جنبش کارگری تبدیل شده است. در ایران زیر سیطره سرکوبگری جمهوری اسلامی، کارگران ابزار دیگری جز تصمیم گیری از طریق مجامع عمومی خود ندارند. اما بحث مجمع عمومی که توسط فعالین گرایش چپ جنبش کارگری مطرح می شود، با مجامع عمومی غیرمنظم و اتفاقی متفاوت است. این را ما بارها و به مناسبتهای مختلف مطرح کرده ایم. بحث فعالین گرایش چپ جنبش کارگری از مجمع عمومی، مجامع عمومی منظمی است که کارگران برایش برنامه می ریزند و در هفته یا ماه و یا هر دوره ای، دور هم جمع می شوند و در آنجا تصمیمات مهمی در ارتباط با

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری
را بخوانید

اعتراض کارگران معدن بافق یزد بر سر چیست



سازی، مسئله جنبه اعتراضی به خود گرفت. بدیهی است که ما به عنوان مسئولین استان، به دنبال حل مسائل هستیم اما بعضاً برخی ممکن است به دنبال بهره برداری از مسائل باشند که این دو موضوع، متفاوت است." اشاره او به همان طرحی است که در نتیجه آن دست کارفرمایان برای تحمیل شرایط برده وار کار به کارگران بازتر میشود و خود مقدمه ای بر بیکارسازی های گسترده است و عاقبت بسیاری از این کارخانجات نیز ورشکستگی و به تعطیلی کشیده شدن کارخانجات و بلاکشین دستمزدهای کارگران و پاسکاری آنان بین مراجع مختلف دولتی بوده است.

محمدمی ادامه میدهد و میگوید: "ما از زمانی که متوجه شدیم اعتراضات و تحركات برخی در این خصوص در میان کارگران تاثیر گذار است، جلسه شورای تامین را تشکیل دادیم و تصمیماتی را اتخاذ کردیم و نتیجه را به دولت منعکس نمودیم. معاون اول رییس جمهور نیز طی دستوری خواستار توجه به این موضوع شد و اعلام نمود تا در این خصوص با هماهنگی استان عمل شود. در همین ارتباط با ریاست سازمان خصوصی سازی هم جلسه ای گذاشتیم و مقرر شد تا پابست های افرادی که در مزایده خرید معدن شرکت کرده بودند بازگشایی نشود تا اینکه با استان هماهنگی لازم صورت گیرد و در ارتباط با مطالبات منطقه به یک راه حل های مناسبی برسند که البته متأسفانه بحث مزایده به تابلو بورس کشیده شد و برنده مزایده اعلام شد و همین امر سبب شد تا مردم شریف بافق و کارگران

"آرامش" کارگران یزد شد و گفت: "تلاش بر این بود که آرامش حفظ شود و اقدامی که دور از شان و شئونبات مردم منطقه و استان باشد صورت نپذیرد."

عمل دون شان نیز از نظر ایشان یک ماه و نیم اعتصاب کارگران یزد بافق بر سر حق و حقوقشان است.

میر محمدی در پاسخ به این سوال که تکلیف وضعیت



واگذاری این معدن به بخش خصوصی و تحصن کارگران این معدن چه میشود، میگوید: "مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۶ قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی را بر اساس سیاست های ابلاغی مقام معظم رهبری تصویب کرد و به تایید شورای محترم نگهبان نیز رسید و برای اجرا به دولت ابلاغ شد. در شهریور سال ۹۱ و در اجرای این قانون، دولت تصویب نمود تا یکسری از واحدهایی که مشمول این قانون بودند را در لیست واگذاری به بخش خصوصی قرار دهد و بر همین اساس به سازمان خصوصی سازی ابلاغ نمود تا در جهت فروش یا رد دیون دولت اقدام کند. سازمان خصوصی سازی نیز بر همین اساس نسبت به شرکت هایی که در لیست قرار داشت- از جمله سنگ آهن بافق- برای فروش اقدام نمود. با شروع اقدام سازمان خصوصی

یکسو مقامات مختلف دولتی و مسئولان معدن از کشاکش هایشان بر سر به حراج گذاشتن سهام این معدن و غناتمش در مقابل یکدیگر قرار گرفته اند. از جمله مقامات جوراجوری چون نمایندگان شورای اسلامی شهر، امام جمعه، نمایندگان مجلس اسلامی در این شهر، و استاندار همه و همه وارد این داستان شده اند. از سوی دیگر وحشت و هراسشان از اعتصاب ۵ هزار

کارگر را که بیش از یکماه ادامه داشته و به موضوع مهمی در شهر بافق یزد تبدیل شده است را می بینیم. از همین رو جلسه پشت جلسه تشکیل میدهند تا در برابر تداوم اعتراضات کارگران و گسترش دامنه اش به مردم شهر به اجماعی برسند. در گزارش زیر استاندار یزد با عجز تمام دارد از همین مخصمه سخن میگوید. نهایتاً نیز می بینیم که بعد از نشست های متعدد و قول و وعده های بسیار باز کارگران ایستاده اند و اعتصاب ادامه دارد. از جمله آخرین خبر اینست که در سه شنبه آینده ۱۰ تیر قرار است به کارگران پاسخ داده شود. گزارش زیر را بخوانید. :

تکاپوی مقامات رژیم در قبال اعتصاب کارگران بافق یزد و عجز استاندار

ای در تقابل با این تفرقه افکنی ها و پیروزی بیش از یک ماه اعتراض و مبارزه این کارگران دارد.

۵ هزار کارگر بافق یزد با خانواده هایشان و مردم این شهر نیروی عظیمی هستند که میتوانند با قدرت مبارزات متحد خود حول خواستهای فوری و برحقشان از جمله خواستهای چون متوقف کردن به مزایده و حراج گذاشتن این معدن و خطر بیکاری کارگران، ممنوعیت اخراج افزایش فوری دستمزدها در سطح یک زندگی انسانی، برقراری ایمنی محیط کار با استانداردهای قابل قبول پزشکی، کنترل پزشکی این کارگران و مردم این شهر و معالجه و درمان آنان در صورت ابتلا به بیماری و صدمات ناشی از این معدن بر محیط کار و زندگی شان، نه تنها تهاجمات مقامات مسئول و دولت را به زندگی و معیشت خود عقب زند بلکه با تحمیل بهبودهایی در شرایط کار و زندگی شان در مبارزه خود در موقعیت بهتری قرار گیرند..

مجمع عمومی منظم کارگری یک گام عملی برای متشکل شدن کارگران پروفیل ساوه با اعلام تشکیل مجمع عمومی خود در هر ماه و به مدت ۴۵ دقیقه، راه عملی شدن تشکیلی مبارزات کارگری را نشان میدهد. ۵ هزار کارگر معدن بافق یزد نیز میتوانند با اعلام برگزاری منظم مجمع عمومی ماهانه خود، صف اعتراضشان را متحد نگاهدارند و با متشکل شدن در مجمع عمومی خود سازمانیافته تر و متحد تر از مبارزاتشان بیرون بیایند.

خلاصه کلام اینکه در جریان بیش از یکماه اعتراض متحد کارگران معدن بافق یزد، از

ممکن و بیکارسازیهاست. اعتراض کارگران معدن بافق یزد به طور واقعی به خطر بیکارسازیها و کاهش سطح دستمزد و دیگر مزایایشان در پی خصوصی سازی این معدن است. ضمن اینکه عدم ایمنی محیط کار و قرار گرفتن کارگران این کارخانه و حتی مردم شهر بافق یزد در خطر بیماریهایی چون سرطان و هیپاتیت از دیگر مشکلات این کارگران و این مردم است. کارگران معدن بافق یزد اعلام کرده اند که تا لغو کامل این واگذاریها حاضر به شروع کار نیستند.

اما در این میان کسانی از دارو دسته های حکومتی تلاش دارند بحث فروش ۲۸۵ درصد سهام این معدن به کارگران را برجسته کنند.

قبلاً هم در این مورد نوشتیم که دامن زدن به این بحث که گویا با تقسیم ۲۸۵ درصد سهام این شرکت بین ۵ هزار کارگر، در برابر بخش اصلی سهامی که دست صاحبان اصلی سرمایه است، توهمی بیش نیست و خطر به حاشیه رفتن خواستهای واقعی کارگران و تفرقه در صفوف اعتراض آنان را دارد. همانجا اشاره کردم که دامن زدن به توهم مالک شدن کارگر از طریق خرید سهام کوچک، در چهارچوب قوانین وحشیانه سرمایه داری، کلاه گشادی است که به سر کارگران میگذازند و قدمتی تاریخی دارد. با این سیاست و با توهم مالک شدن کارگر، میکوشند او را از خواستهای اساسی اش چون دستمزد مکفی و شرایط کار انسانی دور سازند. خصوصاً چنین توهمی در چهارچوب قوانین اسلامی کار و محرومیت کارگران از پایه ای ترین حقوقشان چون حق تشکل و حق اعتصاب سرایی بیش نیست .

هوشیاری رهبران کارگری و مبارزه متحد ۵ هزار کارگر معدن بافق یزد نقش تعیین کننده

عزیز این معدن احساس کنند که به حرف و خواسته آنها بی توجهی شده است."

ناراحتی جناب محمدی از اینست که چرا خبر اقدامات پشت پرده آنان زودتر از وقتی که آنها تدارکش را دیده بودند، به تابلوی اعلانات نصب شده و باعث با خیر شدن کارگران و برپا شدن این اعتراضات شده است. در عین حال گفته او نشانه از گسیختگی صفوفشان و نزاعهایشان درونی شان است که چنین بند را به آب داده است.

استاندار یزد ادامه داده و میگوید: "سپس در ادامه جلسه ای با حضور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و اعضای شورای شهر بافق به عنوان نمایندگان کارگران معدن برگزار شد که از ۱۷ خواسته مطروحه به ۱۶ خواسته آنها که جنبه قانونی داشت توجه شد و تفاهم نامه ای تنظیم گردید و به امضاء رسید. موردی نیز که قابل پذیرش واقع نشد درخواست واگذاری ۱۵ درصد از سهام سنگ آهن بافق به شهرداری این شهر به صورت رایگان بود و بدیهی است که اگر دولت قصد داشت تا این کار را انجام دهد حتما باید مصوبه

مجلس شورای اسلامی را دارا می بود، چرا که دولت نمی تواند اموال بیت المال را بدون مجوز قانونی به شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی واگذار کند." سپس سخنانش را چنین ادامه میدهد: مقرر شد تا برای این موضوع، مصوبه مجلس و شورای اسلامی اخذ شود و نگرانی با این تفاهم برطرف شد و قرار بر این شد تا کارگران به کار بازگردند و وضعیت به حالت سابق در آید.

اما ظاهراً بعد از سخنان نماینده مجلس اسلامی از شهرستانهای بافق، مهریز، ابرکوه، خاتم و بهاباد در نماز جمعه شهر بافق، کارگران تصمیم میگیرند که سر کار نروند. در این رابطه استاندار یزد چنین توضیح میدهد: "در این خصوص با ایشان صحبت کردیم که به چه دلیل راه هایی که خسارت برای منطقه ایجاد می کند باید دنبال شود در حالی که می توان راه هایی را دنبال نمود که برای منطقه ایجاد منفعت و ارزش افزوده کند. به همین منظور مجدداً جلسه ای با حضور امام جمعه محترم بافق و نماینده مردم این شهرستان در مجلس شورای اسلامی به همراه

اعضاء شورای شهر بافق به نمایندگی از کارگران در استانداری برگزار شد و به تفاهمی رسیدیم که به امضاء حاضرین رسید و صورتجلسه ای نیز تنظیم شد و همه متفق القول شدند که کار باید شروع شود." استاندار یزد می افزاید: "با این سیاست، قرار شد مطالبات کارگران و مردم بافق پیگیری شود و در عوض کارگران نیز به کار خود باز گردند. به همین منظور معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری به همراه امام جمعه محترم و نماینده محترم مردم منطقه در مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای شهر در محل حضور یافتند تا کار با نگاه مثبت شروع شود. همه شرایط برای آغاز به کار کارگران فراهم بود، اما صحبت های فردی که خود را شهروند معرفی می کرد و مفاد صورتجلسه و ضمانت اجرای آن را زیر سوال می برد، باعث تحریک مجدد کارگران شد و کارگران نیز در پاسخ به سوال معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار که از جایگاه نامبرده سوال می کرد، وی را نماینده خود دانستند و این امر ما

را با شرایطی جدید مواجه نمود. مقرر شد تا وی به صورت مکتوب به عنوان نماینده کارگران معرفی شود تا مجموعه تصمیم گیران در این خصوص، با یک نماینده رسمی از سوی کارگران مواجه باشند. با معرفی وی از سوی کارگران، مجدداً جلسه ای با حضور امام جمعه محترم بافق، نماینده ای از شورای شهر بافق، نماینده معرفی شده از سوی کارگران و نماینده ای از سوی نماینده محترم مردم بافق در مجلس شورای اسلامی برگزار شد و عنوان شد که اینگونه برخوردها، منافع منطقه را در پی نخواهد داشت. برخوردهای گذشته با جامعه کارگری، نوعی بی اعتمادی در بین کارگران و ناراحتی در میان مردم بافق را دامن زده بود. در این جلسه مطرح شد که برای اعتماد سازی، بایستی یکی از مسئولین کشوری در جمع کارگران حاضر شده و در حفظ حقوق کارگران قول مساعد بدهد و مطالبات نیز اجرایی شود و بایستی به نحوی این اعتماد سازی صورت گیرد. مجدداً موضوع جلسه با معاون اول رییس

جمهور در میان گذاشته شد و ایشان هم به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دستور داد تا برای رفع مشکل اقدام کند که در همین رابطه قرار است ایشان سه شنبه آینده (۱۰ تیر) در جمع کارگران این معدن حاضر شود و نقطه نظرات دولت را با آنها در میان بگذارد."

این گزارش اوج تشتت صفوف مقامات حکومت و بساط دزد بازارشان را بر ملا میکند. این گزارش در عین قدرت مبارزات متحد ۵ هزار کارگر معدن بافق یزد و انعکاس اجتماعی این اعتراضات در سطح یک شهر را به نمایش میگذارد. این مبارزات تا همین جا یک اتفاق سیاسی مهم در جنبش اعتراضی کارگری است و نشانگر ظرفیت مبارزات کارگران در شهرهای مختلف در به تحرک در آوردن فضای اعتزای در میان همه مردم است. مبارزات کارگران معدن بافق یزد میتواند الگویی برای همه شهرها باشد. اخبار این اعتراضات را وسیعاً انعکاس دهیم.

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ - پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ - FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

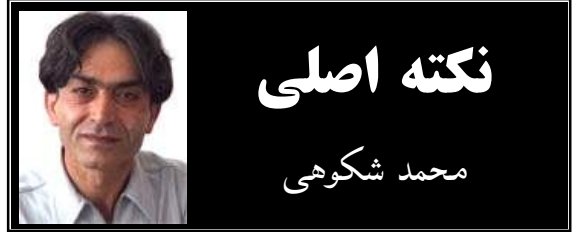
<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

از دزدیهای میلیاردی به بهانه "اشتغالزایی" تا افزایش بیکاری



نکته اصلی

محمد شکوهی

هفته گذشته مرکز آمار جمهوری اسلامی در مورد نرخ بیکاری اعلام کرد: "نرخ بیکاری مردان ۹.۹ درصد و زنان ۱۸.۹ درصد است. بیکاری برای زنان شهری و روستایی کشور به ۴۷.۲ درصد و برای زنان شهرنشین به رکورد ۵۴.۱ درصد رسیده است. در حال حاضر بیکاران در فاصله سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله قرار دارد. بدترین وضعیت بیکاری در کشور مربوط به زنان گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ ساله به میزان ۴۷.۲ درصد است. همچنین زنان ۲۵ تا ۲۹ ساله کشور نیز دارای ۳۵ درصد بیکاری هستند، از سویی وضعیت بیکاری زنان در حالی بدتر می شود که بدانیم نرخ بیکاری زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله ساکن در شهرهای کشور به ۵۴.۱ درصد رسیده است."

اینها تازه ترین آمار و ارقام رشد بیکاری، ارائه شده توسط مرکز آمار می باشد. در این گزارش بر خلاف سایر گزارشات دیگر، برای اولین بار مجبور شده اند جمعیت فعال جویای کار زیر ۳۰ سال را کمی "ذقیق تر" وارد حساب و کتاب آمارگیری و آمارسازیهایشان بکنند. در این میان بیکاری بالای ۴۵ درصد زنان جوان زیر ۳۰ سال بیشترین رقم بیکاران را تشکیل میدهد. البته باید در نظر داشت که رقم واقعی بیکاری بسیار بالاتر از این ارقام حکومتی است. حتی بخش هایی از حکومت مدتهاست گفته اند که سونامی بیکاری در راه است و جمعیت ۱۰ میلیونی بیکاران در راه می باشند. اینها گفته اند هر ساله ۷۵۰ هزار نفر بر شمار بیکاران افزوده میشود و الان هم عین دولت احمدی نژاد ادعا می

کنند باید سالانه یک میلیون شغل ایجاد کرد تا سطح بیکاری به "استانداردهای جهانی" برسد. اعترافات باندها و دارو دسته های حکومتی پیرامون آمارهای بیکاری و ادعای اشتغال

اشتغالزایی در قالب "بنگاههای زود بازده" را افتتاح کرده اند. و البته در ماههای آخر دولت احمدی نژاد رسماً اعلام کردند که این پروژه موفق نبوده و نه تنها ایجاد اشتغال نکرده، بلکه بخشا اشتغالهای نیمه پایدار موجود را نیز با مشکلاتی روبرو

برای باندهای حکومتی بوده به همین خاطر همه باندها و دار و دسته های در این عرصه "بشدت فعال" هستند. در نتیجه دولت روحانی، وزارت کار و باندها و دار و دسته های کل نظام برای بودجه اشتغال کیسه دوخته اند. الان هم مشغول تقسیم پول و



icAina
Photo: Mostafa Haghoo
جزایر نفت

کرده و این امر باعث "عدم امنیت شغلی" شاغلان در این بخشها شده است. نتیجه این سیاست بالا کشیدن دهها هزار میلیارد تومان پول و هزاران طرح اشتغالزایی دولتی نیمه تمام و بیکاری مجدد شاغلان در این بخشها بوده است. این پرونده دزدان فعال احمدی نژادی در عرصه ایجاد اشتغالهای میلیونی بوده است.

در همین رابطه بعد از انتخاب روحانی، سخنگوی دولت اعلام کرد که برای به پایان رساندن طرح های نیمه تمام به جا مانده از دولت قبلی، احتیاج به ۴۸۰ هزار میلیارد تومان اعتبار و دزدیده اند و الان هم برای دزدیدن بودجه اختصاص داده شده به ایجاد اشتغال در دولت جدیدشان نقشه میکشند. این عرصه پرسود

اعتبار بین باندهای دولت روحانی می باشند. اشتغالزایی دولت روحانی هم عین اشتغالزایی احمدی نژاد است. دزدیدن و چاپیدن هزاران میلیارد تومان پول، به جا گذاشتن هزاران طرح نیمه تمام برای ادامه کاری دزدیهایشان در دولت بعدی. این سیاست اشتغالزایی باندهای حکومتی می باشد که بیش از سه دهه است ممر درآمدهای افسانه ای و دزدیهای میلیاردی برای حکومت بوده و می باشد. نقطه جالب اینکه برخی دار و دسته ها و باندهای حکومتی اخیراً دست به حساب و کتاب مربوط به "هزینه ایجاد اشتغال" زده اند. در همین زمینه وب سایت "اقتصاد ایرانی" که ادعای مستقل بودن را هم یدک می کشد، از زاویه "اقتصادی" برخورداری به سیاستهای

اشتغالزایی حکومت کرده است. این وب سایت در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۹۳ مطلبی با عنوان: "ایجاد هر شغل پایدار چقدر برای دولت خرج دارد؟؛ حساب و کتابی کرده است که جالب می باشد. این وب سایت نوشته: "طبق آخرین برآوردها، در ایران نیاز است که ۶ میلیون شغل پایدار تولید شود تا نرخ بیکاری به حد استاندارد خود برسد و بیکاران صاحب شغل شوند. اگر آن طور که اعلام شده برای هر شغل ۱۶۰ میلیون تومان نیاز باشد، باید ۹۶۰ هزار میلیارد تومان در این زمینه سرمایه گذاری شود در حالی که کل تولید ناخالص داخلی ایران حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان است و می توان به راحتی دید که ۹۶۰ هزار میلیارد تومان رقمی بسیار بیشتر از توان دولت است. طبق برنامه پنجم توسعه، باید تا سال آخر اجرای برنامه نرخ بیکاری کشور به ۷ درصد برسد که برای این کار نیاز به تولید سالانه یک میلیون و ۱۰۰ هزار شغل است. این میزان، مستلزم رسیدن کشور به نرخ رشد اقتصادی ۸ درصدی است. در حال حاضر، نرخ بیکاری حدود ۱۸ درصد است." لازم به توضیح است که دولت احمدی نژاد هم هشت سال ادعای ایجاد سالی یک میلیون شغل را کرد. دست آخر اعلام کردند که سالانه بین ۱۴ تا ۷۵ هزار شغل ایجاد شده است. و جالب اینسکه پول و اعتبار اشتغالزایی یک میلیونی را قبلاً گرفته بودند. بعدها و در جریان دعوای انتخاباتی بر علیه همدیگر دست به افشاکاری از دزدیهایشان زدند. خود دولت روحانی دومه پیش اعلام کرد که رشد اقتصادی ۵ درصد منفی بوده و از رکود خارج نمیشود، بیکاری سیر صعودی

خواهد داشت، چیزی که الان بعد از گذشت یک سال از روی کار آمدن روحانی، محقق شده است.

در این وضعیتی که بیکاری و اخراج های گسترده سیر صعودی دارد، دولت روحانی هم به تکرار مکررات سیاستها و طرح های اقتصادی احمدی نژادی دست زده و مدعی شده است که ایجاد اشتغال و مهار تورم اولویت اول دولتش می باشد. اکنون بعد از گذشت یکسال از آغاز به کار دولت روحانی مرکز آمارش صحبت از رشد بیکاری جمعیت جوان زیر ۳۰ سال کرده است. این آمار اعترافی است به شکست سیاستهای اقتصادی یک سال گذشته دولت روحانی. بیکاری نه تنها مهار نشده، بلکه به اعتراف باندهای دولتی در بسیاری از بخش های تولیدی که تا حدودی اشتغال پایدارتری داشته اند، بیش از ۳۴ درصد افزایش یافته است. خصوصی سازی که شعار دولت روحانی برای رهایی از رکود اقتصادی است، به اعتراف وزیر کارش یک خطر جدی برای امنیت شغلی کارگران شده است. درخش های نفت و گاز، پتروشیمی ها و رشته های وابسته به آن، بیکارسازیهای گسترده در راه است. توجیحات دولت و سرمایه داران، هزینه های بالای نیروی کار با بازدهی کم تولیدی اعلام شده است. خصوصی سازی این بخش را هم زیر ضرب گرفته است. نمونه راه اندازی فازهای ۲۱ گانه پارس جنوبی و عسلویه و بوشهر که از بزرگترین طرح های اقتصادی رژیم بوده است، پیشرفتی نداشته است. خودشان گفته اند که بیش از ۴۰ میلیارد دلار در این پروژه ها سرمایه گذاری کرده بودند که قرار بود در این منطقه ادعای اشتغال میلیونی دولت احمدی نژاد را عملی نماید، که به جایی نرسیده است. هزاران کارگر شاغل در این طرح ها با دستمزدهای کم و در بدترین

شرایط با خطر اخراج و بیکارسازی گسترده روبرو می باشند. باندها و دار و دسته های حکومتی پیرامونی عدم موفقیت این پروژه ها هملیگر را متهم به دزدی، سوء مدیریت و باند بازی کرده و هر از چند گاهی دست

۴۰ درصد صرف هزینه های نظامی شده است. دهها میلیارد دلار صرف هزینه های حمایت از تروریسم اسلامی دار و دسته های حکومتی در منطقه شده و بویژه سرپا نگه داشتن رژیم اسد شده و میشود. هزینه های دم و



به افشای دزدیهایشان میزنند. دستگاره سرکوب اطلاعات و امنیتی و بیت رهبری و... را هم باید ضرب در این هزینه های



بیکارسازیها، اخراج ها و عدم اجرای طرح های اشتغالزایی و بالا کشیدن هزاران میلیارد تومان پول، پروژه های مهم از نظر بیت رهبری و دولتش به خوبی" پیش رفته است. نمونه پروژه های اتمی رژیم، در طول سه دهه گذشته رژیم بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در اینجا هزینه کرده است. ۱۲ تا ۱۵ سایت و مجتمع هسته ای که به طریقی مشغول پروژه اتمی رژیم می باشند، ساخته و راه اندازی شده است. کمبود نقدینگی و پول برای این پروژه ها هیچ موقع موردی نداشته است. در کنار پروژه های هسته ای جمهوری اسلامی، بخش اعظم بودجه نزدیک به

و ایجاد اشتغال امر دولت و نظام نبوده و نیست. هر باند و دولت و دارو دسته ای که بر سرکار آورده شده است کار اصلی اش سازمان و مدیریت دزدیها، بویژه در عرصه پرسود "اشتغالزایی" برای حکومت بوده است. سپاه، بسیج، ارگانهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم بزرگترین کارفرما در کنار باندهای دولتی می باشند که در امر "اشتغالزایی" فعالیت می کنند. دهها هزار میلیارد تومان پول را به بهانه راه اندازی طرح های اشتغالزایی، رسماً و علناً خورده و دزدیده اند. ابعاد دزدیها در این عرصه پرسود آنقدر زیاد است که باندهای گرد آمده در مجلس دهها کمیسیون برای تحقیق و تفحص از پروژه های اشتغالزایی سازمان داده که هر از چند گاهی؛ البته تا آنجایی که به کل نظام لطمه جدی وارد نکند، گزارش دزدیهایشان را داده و یکدیگر را متهم به دزدی می کنند. لیست دزدان میلییارد دلاری جمهوری اسلامی هر روز طولی تر میشود. در یک کلام به بهانه ایجاد اشتغال، مافیای عظیم و قدرتمند حکومت که مستقیماً زیر نظر بیت رهبری می باشد، مشغول تقسیم پول و اعتبار اختصاص داده شده به باندهای قدرتمند حکومت می باشد. در این میان شورای عالی اشتغال رژیم، وزارت کار، کمیسیون اشتغال مجلس، در

کنار سپاه و بسیج و... کنترل و مدیریت این عرصه پرسود را در دست دارند. اگر مرکز آمار مجبور به اعتراف به افزایش نزدیک به ۵۰ درصدی بیکاری زنان و سایر گروههای سنی شده است، در کنار آن رشد صعودی ۱۰۰ درصدی دزدی و بالا کشیدن پول توسط باندهای رنگارنگ حکومتی را نیز شاهدیم. رشد بیکاری و افزایش دزدیهای حکومتی در عرصه اشتغال ربط مستقیمی به هم دارند. داشتن شغل و معیشت و درآمد، برای اکثریت عظیم مردم ایران تبدیل به رویایی دست نیافتنی شده است. آن درجه از اشتغال و درآمد ناچیزی هم که میلیونها کارگر و مردم در حال حاضر دارند، نه از صدقه سر حکومت دزدان، بلکه نتیجه مبارزه و مقاومت کل طبقه کارگر و مردم بر علیه حکومت دزدان و قاتلان می باشد. اگر راهی برای پایان دادن به بیکاری و جلوگیری از گسترش اخراجها وجود دارد، تنها و تنها مبارزه طبقه کارگر چه شاغل و چه بیکار بر علیه کل سیاستهای ضد کارگری و ضد مردمی جمهوری اسلامی سرمایه داران می باشد. برای پایان دادن به این وضعیت اسفناک باید حکومت دزدان و قاتلان را در اولین قدم به زیر کشید. راه دیگری نیست.

حکومت کرد. نتیجه گیری: مبارزه با بیکاری



روزانه

ژورنال نشریه روزانه

در باره نشریه ژورنال

ژورنال روزانه منتشر می شود. ژورنال نشریه ای است که حرف و عمل حکومت اسلامی را بی جواب نمی گذارد و مهم ترین مسائل روز را نقد می کند و به میلیون ها مردمی که خواهان یک زندگی بهتر، ترام با خوشبختی و کرامت انسانی اند فرصت میدهد، در یک سنگر جدید دیگر علیه حکومت اسلامی مبارزه منسکل و سازمان یافته کنند. ژورنال یک نشریه تحلیلی و تفسیری نیست. به مسائل روز جواب های کوتاه و "تک موضوعی" میدهد. این نشریه ترین انسانیت است. انسانهایی که همه هست و نیست شان را یک حکومت سرمایه داری اسلامی به تاراج برده است. اما این مردم علیرغم همه مصائب و همه سیاهی ای که چپاولگران اسلامی بر زندگی آنها آوار کرده اند، تسلیم نشده اند. مردم ایران حق دارند که روی دیگر زندگی را ببینند. حق دارند شاد باشند، حق دارند از رفاه حداکثری برخوردار باشند. مردم حق دارند که حکومت مذهبی و غارتگر نخواهند. اما پیروزی مردم بدون وجود یک حزب انقلابی که دشمنان را بشناسد و از جلوی مبارزه مردم کنار بزند دشوار است. بی شک شکست جمهوری اسلامی حتی بدون یک حزب انقلابی و سوسیالیستی ممکن است. اما پیروز مردم برای ساختن یک جامعه آزاد و برابر، بدون چنین حزبی غیر ممکن است. ژورنال هم یک ابزار دیگر در خدمت امر رهائی مردم ایران برای خلاصی از دست این هیولای اسلامی است. با ژورنال همکاری کنید

وبسایت: <http://journalruzaneh.wordpress.com/>
 ایمیل تماس: journal.ruzaneh@gmail.com
 فیسبوک: <https://www.facebook.com/journal.ruzaneh>
 توییتر: <https://twitter.com/JournalRuzaneh>

اخبار کارگری

بخش ایران: نسان نودینیان

بخش بین المللی: داوود رفاهی

اعتراضات

تجمع اعتراضی پرستاران برای افزایش دستمزدها

اتیر: بیش از ۳۰۰ نفر از پرستاران بیمارستان خمینی دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان افزایش دستمزد و برخی دیگر از خواست های خود شدند. این تجمع به مدت دو ساعت از ۸ تا ۱۰ صبح امروز در محوطه بیمارستان برگزار شد و سه نفر از پرستاران موقع متفرق شدن دستگیر شدند. پرستاران از تاریخ ۱۸ خرداد تا ۶ تیر را روزهای اعتراض اعلام کرده بودند تا با دستبندهای نارنجی اعتراض خود را به سطح پایین دستمزدهای خود نشان دهند. این اعتراض از سوی "خانه پرستار" فراخوان داده شده بود. اخیراً ۳۰۰ درصد به تعرفه پزشکی پزشکان اضافه شده است و پرستاران نیز خواهان افزایش ۳۰۰ درصد به تعرفه پرستاری هستند. کمبود پرستار در بیمارستان ها باعث فشار کار شدید روی پرستاران و از طرف دیگر پائین بودن استانداردها بهداشتی است. پرستاران می‌خواهند به این وضعیت خاتمه داده شود، پرستاران بیشتری استخدام شوند و حقوق آنها نیز افزایش یابد. بنا به این گزارش روز ۲۸ خرداد ماه هیات تخلفات دانشگاه علوم پزشکی، حکم بازنشستگی پیش از موعد شریفی مقدم، دبیر خانه پرستار را تحت این عنوان که دست به تحریک پرستاران زده و آنها را به اعتراض فراخوانده است به تجمع غیرقانونی به او ابلاغ کرد. این نیز یک موضوع اعتراض پرستاران است.

تجمع اعتراضی بازنشستگان ذغال سنگ و فولاد خوزستان، اصفهان و کرمان مقابل مجلس

اتیر: بازنشستگان ذغال سنگ و فولاد اصفهان و کرمان با تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی خواستار پرداخت حقوق بازنشستگی خود شدند. سه سال است که حقوق بازنشستگان ذغال سنگ و فولاد شهرهای اصفهان، کرمان و همچنین بازنشستگان معادن اهواز، شاهرود و طبس را به صورت مرتب پرداخت نمی کنند. پاس دادن پرداخت حقوقها به شکلی که صندوق بازنشستگان فولاد یک ماه حقوق پرداخت می کند و دو ماه بعدی پرداخت نمی کند و مشکل را به گردن سازمان بازنشستگی می اندازد، از مشکلات اصلی بازنشستگان است

فزوین تجمع اعتراضی کارگران در کارخانه شیشه آبگینه

اتیر: تجمع کارگران کارخانه شیشه گر آبگینه در اعتراض به حقوقهای پرداخت نشده. مطالبات کارگران این واحد به نیمی از حقوق اسفند ماه سال ۹۲، و حقوق اردیبهشت و خرداد سال ۹۳ مربوط می‌شود. علاوه بر این کارفرمای این واحد تولیدی یک ماه عیدی سال گذشته

کارگران را پرداخت نکرده است. کارخانه شیشه آبگینه ۱۰۰ کارگر رسمی و ۲۰۰ کارگر قراردادی با سابقه دارد که با وضعیت پیش آمده آنان را نگران تامین معاش و امنیت شغلی خود کرده است.

کارگران نیشکر هفت تپه؛ اعتراض ادامه دارد

کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل در محوطه کارخانه تجمع کردند. تجمع کنندگان در بخشهای کشاورزی و صنعتی کارخانه کار می کنند خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستند. اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه از ۶ روز گذشته آغاز شده است. اجرای طرح طبقه بندی مشاغل برای بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه از اسفند سال ۸۸ از سوی وزارت کار ابلاغ شده است اما کارفرما به دلیل داشتن بار مالی آن را عملی نمی کند. دیگر مطالبات اعتراضی کارگران عدم پرداخت بقوق کارگران است که هر ماه با یک ماه تاخیر پرداخت می شود.

تجمع اعتراضی کارگران قند اهواز

۳۱ خرداد: ۵۰ نفر از کارگران کارخانه «قند و تصفیه شکر اهواز» در اعتراض به عدم دریافت ۴۵ ماه حقوق و مزایا در مقابل ساختمان مرکزی بانک ملی ایران واقع در خیابان فردوسی تهران تجمع کردند. کارخانه صنایع قند و تصفیه شکر اهواز از نیمه تابستان سال ۸۷ در تعطیلی کامل به سر می‌برد. بانکهای ملی و ملت، به عنوان مالکان کارخانه ۴۵ ماه است علاوه بر پرداخت نکردن حقوق کارگران، کارخانه را بلا تکلیف و خط تولید آن را متوقف کرده

تهران؛ اعتصاب در بخش بارگیری فرودگاه مهرآباد

۲۹ خرداد: کارگران خدماتی بخش بارگیری و تخلیه بار (رمپ) ترمینال دو فرودگاه مهرآباد در اعتراض به «پایین بودن دستمزدها» (برای دومین بار طی یک ماه اخیر اعتصاب کرده اند. اعتصاب کارگران خدماتی فرودگاه مهرآباد باعث توقف تحویل بار و ازدحام مردم در این فرودگاه شده است. کارگران معترض تحت استخدام چندین شرکت پیمانکاری طرف قرارداد با ایرانیار مشغول به کارند. این اعتصاب دومین اعتصاب کارگران و کارکنان بخش خدمات در سال ۹۳ است.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت واحد مقابل شهرداری تهران

۲۵ خرداد: ۷۰ نفر از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در اعتراض به تعاونی مسکن مرکزی این شرکت در مقابل ساختمان شهرداری تهران واقع در خیابان بهشت تجمع کردند. شرکت تعاونی برای پروژه های ساختمانی سپیدار ۲ و ۳ از هر کدام از کارگران بین ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان هزینه دریافت کرده اما با گذشت یکسال از موعد تحویل این پروژه ها، هنوز خانه ای به کارگران تحویل داده نشده است.

همزمان با جلسه هیات حل اختلاف،

کارگران فولاد زاگرس دست به تجمع در

مقابل اداره کار شهرستان قروه زدند

اتحادیه آزاد کارگران ایران: بدنبال صدور رای ابقا بکار

کارگران فولاد زاگرس از سوی هیاتهای تشخیص و حل اختلاف اداره کار شهرستان قروه در سال گذشته، مدیریت این شرکت تلاش کرد با عدم تمکین به این آرا و سر دواندن کارگران آنان را وادار به ترک کار و وصل شدن به بیمه بیکاری کند اما با مشاهده مقاومت این کارگران، مدیریت شرکت در آخرین روزهای سال گذشته طی دسیسه ای با هدف دور زدن آرا صادره مراجع قانونی، شرکت را منحل اعلام کرد که این امر با تجمعات اعتراضی کارگران و طرح شکایت از سوی آنان در هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه مواجه شد. کارگران فولاد زاگرس در طول این اعتراضات همچنین خواهان پرداخت کلیه معوقات خود از سوی کارفرما شدند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنبال شکایت کارگران فولاد زاگرس هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه روز ۲۸ اردیبهشت با ملزم کردن کارفرما به پرداخت کلیه معوقات کارگران و تأیید انحلال شرکت، رای به اخراج و قطع رابطه کاری آنان با شرکت فولاد زاگرس داد که با اعتراض شدید کارگران مواجه شد و آنان در روز ۲۹ اردیبهشت دست به راهپیمایی در سطح شهر سمنندج زدند و خواهان پرداخت کلیه معوقات خود و بازگشت بکار شدند. بدنبال این اعتراض قاطعانه و دیگر اعتراضاتی که کارگران فولاد زاگرس مبادرت به آن کردند، کارفرمای این شرکت مجبور به پرداخت کلیه معوقات کارگران در روز ۲۲ خرداد شد و مسئله انحلال شرکت و اخراج کارگران بر اساس شکایتی که آنان به هیات حل اختلاف اداره کار شهرستان قروه کرده بودند ظهر امروز ۲۸ خرداد ماه در این هیات مورد رسیدگی قرار گرفت. بنا بر این گزارش، در این جلسه که توأم با حضور مامورین امنیتی در محل اداره کار و تجمع کارگران در مقابل اداره کار شهرستان بود این مامورین ابتدا تلاش کردند با وارد کردن اتهامات واهی به جعفر عظیم زاده که به عنوان نماینده کارگران همراه با دیگر نماینده های آنان در آنجا حضور پیدا کرده بود مانع شرکت وی در جلسه هیات حل اختلاف شوند که با مقاومت وی، بویژه مقاومت قاطعانه کارگران مواجه شدند و نهایتاً جلسه هیات حل اختلاف با حضور وی و دیگر نماینده های کارگران برگزار شد. در این جلسه نماینده های کارگران با تاکید بر تلاش کارفرما برای اخراج کارگران که در طول یکسال گذشته به آنها مختلف ادامه داشت، انحلال شرکت را حربه ای از سوی کارفرما برای دور زدن آرا مراجع قانونی با هدف دستیابی به اخراج کارگران اعلام کردند و با استناد به دلایل و مستندات قانونی، خواهان رسیدگی به تخلفات آشکار کارفرما در مورد انحلال شرکت و بازگشت بکار کارگران شدند.

اعتصاب رانندگان معدن شماره ۴ گل گهر سیرجان

به گزارش رسیده چهارشنبه ۲۸ خرداد، رانندگان کامیون های معدن در شرکت شهسوار ماشین، در معدن شماره ۴ گل گهر در اعتراض به تاخیر ۵/۱ ماهه در پرداخت حقوق دست از کار کشیدند. تعداد رانندگان در معدن های ۲، ۴ و ۵ حدود ۷۰ نفر است که با قراردادهای موقت ۳ ماهه کار می کنند. در پی وعده مدیر معدن مبنی بر پرداخت حقوق رانندگان شیف صبح به سر کار بازگشتند. شرکت شهسوار ماشین به علت تحریم و گرانی و سوء مدیریت، ماهیانه بیش از یک میلیارد تومان زیان می دهد. طرح طبقه بندی مشاغل به صورت ناقص در این شرکت اجرا

شده و پایه حقوق اکثریت کارکنان کاهش یافته است. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

تجمع کارگران ایران تایلر

۲۴ خرداد: کارگران کارخانه ایران تایلر در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان در مقابل ساختمان بنیاد مستضعفان در تهران تجمع کردند. تعداد کارگران ایران تایلر ۷۰۰ نفر هستند. کارگران خواهان پیگیری حق تولید، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و عناوین شغلی در لیستهای بیمه سازمان تامین اجتماعی هستند.

دومین تجمع کارگران مخابرات روستایی در مقابل مجلس

۲۴ خرداد: کارگران مخابرات روستایی از چند استان در اعتراض به وضعیت قرارداد، بیمه و دستمزدشان در ابتدا مقابل ساختمان مجلس تجمع کردند و در ادامه برای پیگیری مطالبات اعتراضی خود به طرف دادسرای عمومی انقلاب اسلامی استان تهران واقع در میدان ارگ حرکت کردند.

تجمع مجدد اعتراض آمیز اعضای تعاونی مصرف کارمندان بیجار

۲۸ خرداد: ۲۰۰ نفر از اعضای تعاونی کارمندان بیجار برای دومین بار در اعتراض به فروش ساختمان تعاونی در مسجد امیر المؤمنین این شهر تجمع کردند و خواستار پیگیری فسخ فروش ملک تعاونی شدند.

ادامه اعتصاب کارگران در بافق و ضرورت ایجاد تشکل معدن چیان

اعتصاب بیش از ۵ هزار کارگر و مهندس شرکت سنگ آهن مرکزی شهرستان بافق در استان یزد هم چنان ادامه دارد و بر اساس خبرها، بیست و سومین روز خود را پشت سر گذاشت. مهم ترین خواست کارگران اعتصابی، جلوگیری از خصوصی سازی این معدن است و به نظر می رسد مقام های دولتی تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه در دستور کار ندارند. ما به عنوان جمعی از کارگران و فعالین کارگری که در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری متشکل شده ایم، هفته گذشته در بیانیه ای با حمایت از کارگران بافق و خواسته های آنها، خواستار پشتیبانی دیگر کارگران ایران از این اعتصاب شدیم. اما در اینجا می خواهیم به یک نکته مهم و کلیدی که همواره روی آن تاکید داشته ایم، یعنی مبارزه برای ایجاد تشکل مستقل کارگران بپردازیم. به باور ما کارگران فقط باید به نیروی خود تکیه داشته باشند و تشکل خودساخته را نیز می توانند به اراده و قدرت خود ایجاد کنند. تشکل مستقل کارگری آن حلقه مفقوده ای در جنبش اعتراضی کارگران است که ما بارها از ضرورت ایجاد آن سخن گفته ایم. در سال های اخیر شرایط سخت و طاقت فرسای کار در معادن، بی حقوقی و دستمزد پایین کارگران و انفجارهای مرگ بار معدن و هم چنین رشد اعتراض های کارگری در این بخش، ایجاد تشکل سراسری معدن چیان را به یک ضرورت عینی و واقعی تبدیل کرده است. امروزه کارگران معدن چیان در بیشتر کشورهای دنیا با مبارزه و نیروی خود توانسته اند تشکل خود را ایجاد کنند و به حاکمان سرمایه داری تحمیل نمایند. کارگران

اعتصابی معدن بافق نیز می توانند در درون همین اعتراض جاری، قدم های بزرگی را برای ایجاد تشکل کارگران معدن و سراسری کردن آن بردارند. تشکل کارگری را می توان از همین مجامع عمومی که در درون اعتراض و اعتصاب های جاری کارگران تشکیل می شود، پایه ریزی کرد. ایجاد تشکل کارگران معدن، یک ضرورت عاجل است و می تواند نقش تعیین کننده ای در پیشبرد خواسته ها و مطالبات این بخش از طبقه کارگر داشته باشد. ما از همه کارگران معدن بافق می خواهیم که به نیروی اراده و آگاهی خود، متشکل شوند. رمز موفقیت کارگران در اتحاد و تشکل آنهاست. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - ۲۰ / ۳ / ۱۳۹۳

کارگران

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری آزادی جعفر عظیم زاده را به جنبش کارگری تبریک می گوئیم

ما اعضای کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری آزاد شدن جعفر عظیم زاده یکی از فعالین کارگری که برای سرکوب و جلوگیری از برگزاری مراسم اول ماه مه یک روز قبل از روز جهانی کارگر توسط ماموران نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی دستگیر شده بود و ۴۹ روز در زندان انفرادی تحت شکنجه های روحی و جسمی بود را به طبقه کارگر ایران تبریک می گوئیم و خوشحال هستیم که یک بار دیگر ماموران ضد کارگری در رسیدن به خواسته های خود با شکست روبه رو شدند ماموران از جعفر عظیم زاده می خواستند انحلال ایجادیه آزاد کارگران ایران را اعلام کند و او زیر بار چنین درخواستی نرفت. مقاومت جعفر عظیم زاده به دنبال مقاومت های که توسط فعالین و رهبران کارگری دیگر که طی ۱۰ سال گذشته هر روز تکرار شده است و هیچ کدام زیر بار انحلال تشکل خود نرفتند نشان می دهد که نیروهای فعال در طبقه کارگر تشکل را مانند نان شب برای زنده ماندن و هووا برای نفس کشید واجب می دانند و در راه ایجاد کردن و برقرار ماندن آنها با هیچ کس وارد معامله نمی شوند و تا به این روز ماموران در مورد هیچ کدام از کارگران و تشکل ها موفق به پیش برد خواسته نا حق خود نشده اند. و همچنانکه می دانید کارگران زندانی بیشتر به این دلیل زندانی هستند که برای ایجاد تشکل های خود و جهت فعالیت برای همستگی کارگری زندانی شده اند بنا براین درخواست ماموران جهت اعلام انحلال تشکل های کارگری و میزان فعالیت و مقاومت کارگران برای ایجاد تشکل های کارگری هر دو نشان می دهد که تشکل های کارگری برای مبارزات طبقه کارگر از اهمیت صد در صدی برخوردار است. ما به نوبه خود از حمایت های که برای آزادی جعفر عظیم زاده از طرف کارگران، فعالین و تشکل ها و نهاد ها در داخل و بیرون صورت گرفت و همراه مقاومت خود او به بار نشست تشکر و قدر دانی می کنیم و همچنان از تمامی کارگران، فعالین، تشکل ها و نهاد ها می خواهیم جهت آزادی بقیه زندانیان سیاسی از جمله شاهرخ زمانی، بهنام ابراهیم زاده، رضا شهبانی، محمد جراحی و ... به فعالیت و حمایت های خود با گستردگی و متجددانه ادامه بدهند.

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری

بهنام ابراهیم زاده به بند عمومی اوین و مهدی فراخی شاندیز به رجایی شهر منتقل شدند

بهنام ابراهیم زاده را که پس از یورش وحشیانه ماموران به بند ۳۵۰ زندان اوین و مورد ضرب و شتم قرار دادن زندانیان به سلول انفرادی منتقل کرده بودند پس از ۵۴ روز بودن در سلول انفرادی و شکنجه های جسمی و روحی این کارگر زندانی روز سه شنبه به بند عمومی منتقل کردند. البته هنوز خانواده او موفق به ملاقات نشده اند فقط بهنام دو روز قبل تلفن کرده و اعلام کرده است که به بند عمومی منتقل شده و هنوز در کلام بند است مشخص نشده است. در ضمن طی چند روز اخیر مهدی فراخی شاندیز معلم زندانی یکی دیگر از اعضای کمیته پیگیری را از زندان اوین به زندان رجایی شهر منتقل کردند در مورد ایشان نیز هنوز خبری در دست نیست که به کلام بند رجایی شهر منتقل شده است. ما ضمن محکوم کردن یورش به بند ۳۵۰ خواستار محاکمه عاملین و امرین این یورش هستیم و همچنین خواهان آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی می باشیم. کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری در ایران

رضا شهبانی کارگر زندانی همچنان در اعتصاب غذا بسر می برد

رضا شهبانی کارگر زندانی همچنان در اعتصاب غذا بسر می برد امروز ۲۲مین روز اعتصاب غذای رضا شهبانی پشت سر گذاشته شد رضا شهبانی به دنبال یورش وحشیانه ماموران جمهوری اسلامی تحت نظارت مسئولین بلند پایه نهاد های مربوط به زندانها و ضرب و شتم زندانیان و انتقال آنها به انفرادی و همچنین انتقال رضا شهبانی به زندان گوهر دشت در رابطه با خواسته های زیر دست به اعتصاب غذا زده است: ۱. بازگشت به محل قبلی زندان اوین بند ۳۵۰ ۲. مرخصی استعلاجی جهت درمان و عمل جراحی دیسک کمر (به دور از استرس و بگیر و ببند و حضور ماموران زندان که باعث ایجاد رعب و وحشت و مزاحمت و ناراضگی به مراجعه کنندگان و کادر بیمارستانی و تیم پزشکی از جمله پزشک و پرستارو غیره) ۳. اجرای ماده ۱۳۴ قانون جدید مجازات اسلامی (قانون تجمیع) ۴. اجرای قانون آزادی مشروط. تا به این روز در مدت زمان اعتصاب رضا شهبانی چهار نامه رسمی برای مسئولین زندان و و مسئولین قضایی از جمله جعفری دولت آبادی و مردانی نوشته است و رسید تحویل نامه ها را دارد اما هیچ کدام از مسئولین و بخصوص مردانی و دولت آبادی که مخاطبین مستقیم نامه های رضا هستند هیچ جوابی نداده اند. رضا شهبانی با وجود اینکه در زندان به علت شکنجه ها، عدم مداوا و رسیدگی، نبود سیستم بهداشتی و درمانی و همچنین ناسالم بودن محیط زندانها و نبود مواد غذایی سالم و کافی و وجود برنامه های سیستماتیک عمدی بیمار سازی زندانیان توسط ماموران دچار بیماری های مختلف شده است اما برای رساندن صدای خود و افشای ظلم و ستمی که علیه زندانیان روا داشته می شود مجبور شده است جان خود را در این راه بگذارد و در مقابل خواست های به حق خود دست به اعتصاب غذا بزند، مردم آرایخواه، کارگران، فعالین کارگری، تشکل ها و انقلابیون و حتی شما مامورانی که مجبورید در مقابل دریافت حقوق برای امرار معاش زندگی خود و خانواده تان به جمهوری اسلامی خدمت کنید، چرا از خود نمی پرسیم؟ در مقابل ظلمی که

کارگران مساوی مرگ تدریجی است. اما سرمایه داران بدانند کارگران هزاران بار به این زندگی لعنت می فرستند و با مشتانی گره کرده در صف اعتراض قرار میگیرند. اگر کارگران خودشان را در مقابل سرمایه داران قرار ندهند چیزی جز فقر و بی حقوقی و زندان و دستگیری در انتظارشان نیست و سرمایه داران تمامی بحران خودشان را بر سرمان خراب می کنند و هر روز فقیر و فقیرتر می شویم. اما کارگران سالهاست با این وضعیت مقابله می کنند. کارگران نشان داده اند که میتوانند با اعتراض و اتحاد و همدلی بر سرمایه داران پیروز شوند. کارگران نشان داده اند که چه قدرت عظیمی در یکپارچگی و اتحادشان نهفته است و کارگران مطمئن شده اند که دیگر صدایشان را نمی شود خفه کرد. کارگران دریافته اند که در این جهان امروز می شود غذا. پوشاک. مسکن. ایاب و ذهاب. بهداشت. آموزش و پرورش را در حد و فور در اختیار مردم قرار داد. اعتراضات و مطالبات جاری کارگران تعطیل بر دار نیست. در حال حاضر تمامی کارگران در گیر این اعتراضات و مطالبات در هر شهر و کارخانه ای هستند. دیگر دستگیری و زندانی کردن کارگران اثری در جلو گیری از اعتراضات نمی تواند داشته باشد چون تمامی کارگران در صف اعتراضات و مطالبات خواسته های خود همچنان ایستاده اند امروزه کارگران تماما با مجمع عمومی خود در صف اعتراضات هستند نگاهی به اعتراضات جاری میتوان به این نتیجه رسید و هر روز فریادشان بیشتر و بیشتر می شود. کارگران با تشکل های مستقل خودشان که حاصل روند اعتراضاتشان در رابطه با مطالباتشان است به مقابله با این وضعیت ناآگار اقتصادی و اجتماعی میروند و هرگز تا بدست آوردن خواسته هایشان از اعتراض دست بر نخواهند داشت. ما ضمن حمایت از اعتراضات گسترده کارگران در قبال تعرض سرمایه داران به سطح معیشت و زندگی شان خواهان رفع فوری فشار و آزادی همه کارگران زندانی هستیم. ما امضاء کنندگان طومار اعتراضی به دستمزد همانند دفعات قبل خواهان افزایش دستمزد با تورم موجود و اجرای ماده ۴۱ قانون کار هستیم و تا بدست آوردن مطالباتمان دست از اعتراض برنخواهیم داشت. ما همواره خلاصی از سختی معیشت و تلاش برای زندگی آبرومندانه راهنمای عمل ما خواهد بود. تامین معیشت و منزلت تعطیل بردار نیست.

از کارگران زندانی و خانواده های آنان، حمایت کنیم!

کارگران، تشکل ها و نهادهای کارگری، مردم آزادیخواه و عدالت طلب! افکار عمومی در ایران و جهان و همه آنان که به نحوی از انحاء دستی بر آتش دارند امروزه دیگر خوب می دانند که کارگران ایران در طول نزدیک به چهار دهه گذشته و به ویژه دهه اخیر آن، برای به دست آوردن خواسته ها و مطالبات بر حق خود، از جمله ایجاد تشکلهای مستقل و متکی به خود کارگران، متحمل چه مرارت هایی شده و چه مشکلات و رنج هایی را تحمل کرده اند. کارگران آگاه و وجدان های بیدار و عدالت طلب جامعه همچنین شاهد بوده اند که طی این سال ها، عوامل سرمایه، چگونه با تشدید فشار و سرکوب و ایجاد فضایی امنیتی و پلیسی و در این راستا تهدید، احضار، بازداشت و زندانی کردن کارگران پیشرو، فعالین کارگری و فعالان دیگر جنبش های اجتماعی، سعی در سرکوب کردن کارگران و مردم به جان آمده نموده و در جهت متوقف کردن

دستمزد شایسته انسانی و آزادی حق تشکل و اعتصاب، توسط حکومت ضد کارگری دستگیر و زندانی شد. او، بدنال یورش وحشیانه ارازل و اوپاش به بند ۳۵۰ زندان اوین چند روز به سلول انفرادی فرستاده شد و سپس بطور غیر قانونی و بدون محاکمه و حکم قضایی به زندان جهنمی رجایی شهر (گوهردشت) تبعید شده است. وی در اعتراض به این اعمال خودسرانه و غیرقانونی، ۲۴ روز است که در اعتصاب غذا بوده و حدود ۹ کیلو وزن کم کرده است. و متأسفانه بعلا بیماری های سخت، مانند دیسک و قلب، در وضع وخیمی بسر می برد. ما ضمن اعلام ۲۴ ساعت اعتصاب غذا در همدردی و همبستگی با خواست های انسانی و به حق ایشان، از تمامی نهادها و مردم ایران و جهان می خواهیم صدای اعتراض و فریاد خود را، علیه نا عدالتی و حق کشتی های روا داشته بر ایشان، بلندتر و رساتر کنند. مخصوصاً خانواده ۵۰ میلیونی کارگران باید بدانند که رضا شهبانی فرزند جسور، مبارز و حق طلب این طبقه، زندگی و خوشبختی خود و خانواده اش را در راه مبارزه برای سعادت خوشبختی آنها گذاشته و فدای ایشان می کند. با دفاع از وی از آینده ای عاری از بهره کشی و جور و ستم، از حق تشکل، اعتراض و حق زندگی انسانی خود دفاع کنید.

شاهرخ زمانی. خالد کردانی. افشین حیرتیان. محمد امیر خیزی. صالح کهندل. رضا اکبری. علی سلام پور. اصغر دهقان. محمد علی منصوری

حسن محمدی: سرمایه داران روز به روز گستاخ تر میشوند، جان کارگران را می گیرند تا جان سرمایه اشان در امان باشد

کارگران را بیکار می کنند و به خیابانها می ریزند و آنهم در زمانی که مردم از گرسنگی و بیکاری و بی مسکنی بی حقوقی و نبود امنیت محیط کار در رنجند. هر روز کارگران را بدلیل اعتراض به معیشت و زندگی شان سرکوب، زندان و بازداشت و اخراج می کنند. هر روز هزاران کودک را بر اثر کارهای شاق و بیکاری والدینشان که منجر به فقر و فلاکت کشانده شده اند از تحصیل و بازی و زندگی کودکان محروم می کنند. در این دنیای نکبت بار علیرغم توسعه تکنولوژی و پیشرفت صنایع و اقیانوسی از ثروت همچنان سرمایه داران کارگران را به فقر و فلاکت می کشانند. با وجود این که دنیا دستخوش تحولاتی شده، سرمایه داران ماهیتشان تغییر نکرده و همچنان به استثمار و سرکوب و بی حقوقی ادامه میدهند. اقلیتی مفتخور، میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش، سفره هاشان خالی گردیده است. تا سرمایه داری است سهم ما از زندگی، گرسنگی و بی حقوقی و زندان و شکنجه خواهد بود. هر روز در معادن جان کارگران را می گیرند و در مقابل اعتراض ما به این جنایات با بی شرمی میگیرند کار در معادن مشکلات خودش را دارد. کارگران معدن بافق مدتی است فریاد میزنند و خواهان افزایش دستمزد و امنیت محیط کار و قراردادهای موقت و بهبود شرایط کار و یک زندگی که بتوانند مثل یک انسان زندگی کنند. اما جوابی نمی شنوند. هر روز کارگران ساختمانی از دار بستها می افتند و جانشان را از دست می دهند و هیچ گونه امنیتی برایشان نیست و هیچ مسئولی پاسخگویی این کارگران جان باخته نیستند. هر روز کالاهای واجناس گران و گرانتر میشوند و میلیاردها کارگر و زحمتکش گرسنه و گرسنه تر میشوند و هر روز دستمزد

به رضا شهبانی و دیگر زندانیان وارد می شود و آنها مانند رضا شهبانی برای خواست حقوق انسانی خود از جانش مایع می گذارند ما چه کار کرده ایم و اینکه چکار می کنیم، چرا در مقابل ظلم و ستمی که علیه رضا شهبانی روا داشته می شود دست به اعتراض نمی زیم؟ رضا شهبانی در حالی که توسط جمهوری اسلامی در زندانها دچار انواع بیماری ها شده است و اکنون برای گرفتن حق خود و بقیه زندانیان سیاسی و کارگری دست به اعتصاب غذا زده است، طی ۲۲ روز اعتصاب غذا ۹ کیلو گرم وزنش کم شده، فشار خورش پایین آمده، چشم هایش گود افتاده است و بدلیل اعتصاب از داروهای که برای معالجه اش لازم است استفاده نمی کند و تا به امروز دو بار دچار سر گیجه شده است، همچنین در حالی که وضعیت بهداشتی، غذایی و درمانی در زندان رجایی شهر بسیار خراب است، بنا براین رضا در خطر بسیار بزرگی بسر می برد. کارگران و مردم آزادیخواه: هیچ تعجبی ندارد که مسئولین جمهوری اسلامی از جمله دولت آبادی و مردانی به نامه های رضا شهبانی جواب ندهند، و از اینکه جان رضا در خطر است کک شان هم نگزد چرا که آنها (مسئولین جمهوری اسلامی) دشمنان مردم و کارگران بخصوص کارگران زندانی هستند و تا زمانی که مجبور نباشند حاضر به رعایت حق و حقوق کارگران و زندانیان سیاسی نخواهند شد، بنا براین باید ما از خود بپرسیم با کدام اعتراض و با کدام فعالیت می توانیم مسئولین جمهوری اسلامی را باید مجبور به رعایت حق و حقوق رضا شهبانی بکنند؟ کارگران، فعالین کارگری تشکل ها و مردم آزادیخواه برای اینکه رضا شهبانی و بقیه کارگران و زندانیان سیاسی به خواسته های خود برسند باید ما همگی از هر طریق ممکن دست به اعتراض بزنیم به خانواده ها کمک کنیم. به دور کمیته های دفاع از رضا شهبانی و دفاع از بهنام ابراهیم زاده، کمیته دفاع از کارگران بوکان و مهاباد و ... حلقه زده و در فعالیت های آنها شرکت کرده به آنها در انجام وظایفشان کمک کنیم و در اعتراضات آنها شرکت کنیم، صدای اعتراضی کارگران را به گوش همه برسانیم و اعتراضات مختلفی در دفاع و حمایت از زندانیان بخصوص اکنون از رضا شهبانی ترتیب بدهیم. اعتراضات ما می تواند از تلفن زدن بعنوان اعتراض به رئیس زندان، دولت آبادی و دیگر نهاد های مربوط به زندانها شروع شود تا تظاهرات و تحصن و تجمع در مقابل زندانها، دادگاهها، مجلس، ریاست جمهوری و ... ادامه یابد. بدون شک از طریق اعتراضات می توانیم مسئولین جمهوری اسلامی از جمله دولت آبادی، مردانی، خدابخشی و دیگر ماموران را مجبور به رعایت حق زندانیان نماییم. پیش بسوی اتحاد بیشتر برای فشار بیشتر. پیش بسوی اعتراضات گسترده تر با شعار. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد. کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

فراخوان زندانیان گوهردشت در حمایت از اعتصاب غذای رضا شهبانی

مردم ایران، کارگران، آزادیخواهان و نهادهای مدافع حقوق انسان ها! با بی توجهی و آزار و اذیت جمهوری اسلامی جان رضا شهبانی در ۲۴ مین روز اعتصاب غذا در خطر است! رضا شهبانی، عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد و مسئول مالی این سندیکا، بدلیل تلاش و ایجاد تشکل قانونی مدافع حقوق کارگران مانند امنیت شغلی و

همراهی و همکاری و کمک همکارانم و فعالین کارگری با شرف جنبش کارگری و سایر دوستان مردمی و آزادیخواه، این مشکلات به حداقل رسیده بود، ولی متأسفانه بعد از گذشت چهار سال و در شرایط ناپاورانه و غیر منتظره آن هم در زمان امتحانات فرزندانم که باعث به هم ریختگی روحی و روانی آنها شد و در استانه پنجمین سال حبس آن هم بی دلیل، و غیر قانونی و قانون شکنانه و خود سرانه و بدون اطلاع قبلی و بدون هیچ توضیحی با شرایط جسمی که دارم (پرونده پزشکی گویایی همه چیز می باشد) به زندان رجایی شهر تبعید شدم که باعث وارد شدن استرس و نگرانی به خانواده، همکاران و دوستان شده است. لازم به ذکر است تبعید گاه رجایی شهر فاقد کوچکترین امکانات مرسوم در دیگر زندانها می باشد از جمله در فضای تنگ و خفقان آور زندگی در سلولهای انفرادی ۴متر و ۷۰ سانتیمتری به جای ۱۲-۱۵ متری قانونی برای ۲ تا ۳ نفر با پنجره های ۳۰ سانتیمتری با سه لایه ی ورق و توری آهن که جریان هوا را کد بوده و نفس ها به هم می خورد، هواخوری ۲۰:۳۰ تا ۳ ساعته به جای صبح تا غروب، نبود امکانات تفریحی، ورزشی مانند باشگاه ورزشی، کتابخانه برای زندانیان سیاسی - عقیدتی، نبود بهداشت و رژیم رفتن سوسک و موش، کیفیت بسیار پایین درمان و فاقد امکانات لازم از جمله فیزیوتراپی و پزشک متخصص، و همچنین نبود تغذیه مناسب و دیگر موارد که از استانداردهای آیین نامه سازمان زندانها بسیار دور می باشد و از طرفی در نبود نان آوران خانواده و قطع حقوق و مستمری آنها که خانواده ها با مشکلات اقتصادی و کمبودهای فراوان مواجه هستند، تبعید گاه رجایی شهر بعثت دوری، هزینه های سنگینی بر آنها وارد کرده و بدین علت بجای ملاقات هفتگی مجبور به دو هفته تا یک ماه ملاقات شوند که خطرات ناشی از تصادفات و قطع ارتباط مادران با بچه ها در خانه، مزید بر علت است. آقای دادستان: اینجانب رضا شهبایی زکریا راننده و عضو سندیکای شرکت واحد با توجه به توضیحات بالا و رفتار غیر مسئولانه و غیر قانونی نسبت به من ویا توجه به شرایط جسمی و بیماری و در اعتراض به تبعید غیر قانونی و همچنین تهدید به تشکیل پرونده مجدد و از طرف بازجو از ۱۱/۳/۱۳۹۳ روزی که به رجایی شهر تبعید شدم، تنها سرمایه ام را که سلامتی می باشد در معرض خطر گذاشتم و برای اثبات حقانیت و رسیدن صدای مظلومیت به گوش مسئولان و مردم آزادیخواه و نهادهای بین المللی دست به اعتصاب غذا زدم و امروز ۱۴ مین روز اعتصاب غذایم می باشد و خواسته های خود را بدین شرح مطرح می کنم: ۱- بازگشت به محل قبلی زندان اوین بند ۲۰۳۵۰. ۲- مرخصی استعلاجی جهت درمان و عمل جراحی دیسک کمر (به دور از استرس و بگیری و بسند و حضور ماموران زندان که باعث ایجاد رعب و وحشت و مزاحمت و ناراضی به مراجعه کنندگان و کادر بیمارستانی و تیم پزشکی از جمله پزشک و پرستارو غیره ۳- اجرای ماده ۱۳۴ قانون جدید مجازات اسلامی (قانون تجمیع) ۴- اجرای قانون آزادی مشروط. با سپاس مددجو رضا شهبایی بند ۴ سالن ۱۲ ۲۴/۳/۱۳۹۳

تعقیب قضایی سعید ترابیان مسئول روابط عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد

ساعتی پس از دستگیری اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در شامگاه دهم اردیبهشت ماه مامورین با در دست

و عضو هیات مدیره و مسئول مالی سندیکای کارگران شرکت واحد بطور غیر قانونی و در نقض آشکار قوانین جهانی از جمله مقاله نامه های ۹۸،۸۷ سازمان جهانی کار مورد تایید و عضویت ایران در آزادی کارگران برای ایجاد تشکل های مستقل و حق انتخاب و اعتصاب بعنوان تنها ضامن تحقق مطالبات کارگری، محکوم به شش سال حبس تعزیری، پنج سال محرومیت از هر گونه فعالیت سندیکایی و غیره و هفت میلیون و پانصد هزار تومان جریمه نقدی بنا به گزارشات و اتهامات واهی و ساخته و پرداخته بازجویان در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به حکم شفاشی نا عادلانه به ریاست قاضی صلواتی محکوم شده ام. آقای دادستان: من بارها وضعیت و فشارهایی که از زمان دستگیری و برخورد بازجویان و زندانبانان در طول بازداشت و زندان بر من وارد شده، طی نامه های سرگشاده خدمت ریاست قوه قضائیه و شما اعلام کرده ام و نیاز به تکرار نیست، ولی جهت یاد آوری به گوشه ای از خطاها و فشارهای روحی و روانی که بر من و خانواده ام در طول این مدت وارد شده به صورت گذارا اشاره می کنم: من بعنوان راننده و عضو سندیکا، بدلیل فعالیت سندیکایی و دفاع از حقوق حقه همکارانم در شرکت واحد بنا به مسئولیتی که همکارانم با حضور در مجمع عمومی و انتخابات سندیکا، با رای خودشان به گردن من گذاشته بودند، وظیفه داشتم از همکارانم چه در عرصه صنفی، ایمنی و بهداشت کار و غیره و چه در عرصه حقوقی از جمله بعنوان نماینده حقوقی با وکالت محضری رانندگان اجرایی در ادارات کار استان تهران از آنها دفاع و این کار را با تلاش و کوشش خستگی ناپزیر در کنار سایر همکارانم در سندیکا در جهت منافع صنفی و رسیدن به یک زندگی شرافتمندانه و انسانی و با رعایت موارد قانونی انجام دادم، که حاصل آن بازگشت بکار اکثر اعضای اخراجی سندیکا و غیره در شرکت واحد و بهبود حداقلی دستمزد و مزایای همکاران بود. گویا این فعالیت ها و پیگیریها به مذاق مسئولان شرکت واحد و برخی دیگر خوش نیامده و در نهایت در ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ در کمال نا باوری و غیر منتظره در حین کار و در حضور مسافران و شهروندان تهرانی در خیابان به اتهام سارق مسلح دستگیر و بعد از تفتیش منزل ویا ایجاد رعب و وحشت طوری که دختر و پسر خرد سالم به شدت گریه می کردند و همسر شوکه شده بود، ماموران لباس شخصی با بردن دست نوشته ها و مطالب سندیکایی با تهدید و فشار روحی و روانی همراه با توهین، ضرب و شتم من را به بند ۲۰۹ اوین منتقل کردند و در طول ۱۹ ماه بازداشت انفرادی، تحت شدیدترین فشار های روحی و جسمی قرار داشتم که حاصل آن بی حسی سمت چپ بدن و جراحی گردن و در حال حاضر درد شدیدی در کمر و بیرون زدگی دیسک های کمر، بی حسی پای چپ، فشار خون بالا و خون ریزی پی در پی بینی، ناراحتی کبد و معده و سردرد های ممتد می باشد. در همین راستا فشار های روحی و روانی به همسر و فرزندانم وارد شده، طوری که فرزندانم مدتها گوشه گیر و افسرده و دچار افت تحصیلی شده بودند، همسر بارسنگین خانواده را به دوش گرفته بود و در نبود من بقول معروف هم پدری می کرد و هم مادری و در صدد فراهم کردن نیاز های معیشتی و تحصیلی آنها و تهیه اجاره بها و منزل و هزینه بهداشت و درمان و پوشاک و غیره و از طرفی ماهانه مبلغی پول برای هزینه های اینجانب در زندان، تلاش می کرد، که بنوبه خود فشار را دو چندان می کرد، ولی با کار در منزل و تهیه ترشی با

طبقه کارگر از پیگیری خواست ها و مطالبات برحقشان در عرصه های مختلف، چه فشارهایی را به این طبقه و پیشروان و فعالان آن تحمیل نموده و چه ستم و سرکوبی را در حق آنان روا داشته است. تا آن جا که به دفعات کارگران، فعالین و اعضای تشکلهای مستقل کارگری را به بهانه های از قبیل تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیت ملی، تجمع به قصد تبانی و تفرندهایی از این دست، به دادگاه ها و محاکم قضایی حامی سرمایه کشانده و به حبس ها و زندان های طولانی مدت محکوم نموده است. اما در کنار و موازی با این قبیل فشارها و سرکوب ها، تاریخ جنبش کارگری، خود، گواه این حقیقت نیز بوده و هست که این گونه سرکوب ها و اعمال فشارها هیچگاه نتوانسته است کارگران و فعالان راه رهایی این طبقه از منجذاب سرمایه را از تلاش و مبارزه برای پیگیری خواست و مطالبات مسلم شان در راستای دستیابی به یک زندگی انسانی و برابر باز داشته و از ادامه راه منصرف نماید. اگر چه فشار و سرکوب و زندان صاحبان سرمایه و عوامل آن ها همواره برده راه شان بوده و هیچگاه این کارگران و فعالان کارگری را رها نکرده است. یکی از تشکلهای مستقلی که اعضای آن بارها و بارها مورد بی حرمتی و ضرب و شتم و بازداشت و زندان قرار گرفته اند، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری بوده است که در طول نزدیک به ۸ سال فعالیت علنی خود، به دفعات مورد تهاجم و سرکوب سرمایه و عوامل آن قرار داشته و پیوسته تحت فشار و تهدید بوده است. تا آن جا که هم اکنون نیز تعدادی از اعضا و فعالان آن در شهرهای بوکان، مهاباد، سنندج و کامیاران به نامهای حسن رسول تژاد، جمال میناشیری، هادی تنومند، قاسم مصطفی پور، ابراهیم مصطفی پور، محمد کریمی، محمد مولانایی، واحد سیده، یوسف ابخراباد، غالب حسینی و افشین ندیمی به حبسهای ۶ ماه تا ۵/۳ سال محکوم شده، در زندان بسر می برند و یا در معرض دستگیری و اجرای حکم زندان قرار دارند. با این همه، اعضا و فعالین این "کمیته" به شهادت عملکرد تمامی سال های فعالیت آن، هیچگاه مرعوب این فشارها و تزییفات نشده و به سهم خود، همواره از خواست ها، مطالبات و اهداف کارگران به مثابه یک طبقه، دفاع نموده و در کنار کارگران، به سهم خویش برای به کرسی نشاندن آن خواست ها و مطالبات تلاش و فعالیت کرده است. این "کمیته" همچنین در نظر دارد تا در شرایط موجود بنا به درخواست خود این کارگران و خانواده های آنان، با ایجاد یک "کمیته دفاع" و از این طریق، یاری جستن از تمامی کارگران و انسان های آزادیخواه و برابری طلب جامعه، پیگیری های خود را در راستای حمایت های گسترده تر و جدی تر از این عزیزان و در کل کارگران و فعالان کارگری زندانی، گسترش داده و به شکل همه جانبه تری به دفاع از این عزیزان و خانواده های آنان بپردازد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری خرداد ۱۳۹۳

اعتراض به تبعید غیر قانونی و اعتصاب غذا!

از رضا شهبایی زکریا. به: آقای دکتر عباس جعفری دولت آبادی. موضوع: اعتراض به تبعید غیر قانونی و اعتصاب غذا. آقای دکتر عباس جعفری دولت آبادی دادستان استان تهران. با سلام: احتراماً معروض می دارد: اینجانب رضا شهبایی زکریا فرزند علی، شغل راننده

«فارب» (و) «خورگام» در شهرستان رودبار گیلان بوده و زمانی بالغ بر ۳ هزار و ۵۰۰ کارگر در این معدن کار می‌کردند که این میزان در سال ۹۰ به ۶۰۰ نفر کاهش یافت و بعد آن نیز تا به امروز رقم کارگران شاغل در این معدن به ۴۲۵ نفر تنزل یافته است.

اخراج کارگران شرکت اشکان سازه غرب

اتحادیه آزاد کارگران ایران: طبق اخبار رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران در فروردین ماه ۹۳ تعداد ۸ نفر از کارگران شرکت اشکان سازه غرب اخراج شدند این کارگران در مرخه ۲۳/۲/۹۳ در اداره کار شهرستان دهگلان در هیئت تشخیص جهت رسیدگی به شکایت طرح شده جلسهای برگزار شد. لازم به توضیح است کارگران قراردادی در فروردین ماه ۹۳ قرارداد کاری از طرف کارفرما با کارگران منعقد نشد و کارفرما تمدید قرارداد را مشروط به این نموده بود که کارگران هر اندازه کارفرما صلاح بداند دستمزد دریافت کنند و یا تا هر میزانی که کارفرما مایل باشد باید در ساعات اضافه کاری در شرکت مشغول به کار باشند ولی این موارد از طرف کارگران مورد اعتراض قرار گرفت و به همین دلیل کارفرما از ادامه ی کار این کارگران جلوگیری به عمل آورد در ضمن این کارگران بابت ساعات اضافه کاری و حق شیفت کاری و پرداخت بیمه های معوقه و مانده مرخصی و... سال ۹۰ و ۹۲ از کارفرما طلب کار میباشند اتحادیه آزاد کارگران ایران ۲۵ خرداد ۹۳

ناامنی محیط کار

فرو ریختن دیوار کارخانه گچ و مرگ دو کارگر

اتیر: فرو ریختن بخشی از دیوار کارخانه گچ مستقر در بندر امیرآباد، موجب مرگ دو کارگر از اهالی شهرستان نکا در این واحد صنعتی شد. کارگران در حال خالی کردن بار گچ از کامیون بودند که به دلیل نشست کردن دیوار این کارخانه، دو کارگر در زیر آوار ماندند و به دلیل حجم زیاد دیوار فرو ریخته شده، جان سپردند.

جان باختن یک کارگر کارخانه کاترین سازی مات در شهرک صنعتی مهاباد.

۳۱ خرداد: ۵ نفر از کارگران کارخانه کاترین سازی مات در شهرک صنعتی مهاباد به داخل حوضچه مواد شیمیایی این کارخانه افتادند. تلاش این افراد برای زنده ماندن تا زمان فرا رسیدن نیروهای امدادی ادامه داشت اما متأسفانه یک نفر این کارگران نتوانست در حوضچه بیشتر از دقایقی دوام بیاورد و کشته شد. سایر مجروحان این حادثه توسط نیروهای امدادی نجات یافتند و به مراکز درمانی منتقل شدند.

سقوط یک کارگر از ارتفاع

اتحادیه آزاد کارگران ایران: بنا به گزارش رسیده، روز جمعه ۲۳/۲/۱۳۹۳ کارگری به نام جهانبخش مرادی اهل شهرستان ایذه که برای شرکت سینا صنعت در پتروشیمی سندانج کار می کرد، هنگام کار از ارتفاع ۹ متری سقوط کرده و به شدت از ناحیه کمر آسیب دیده است. همچنین هفته گذشته برادر همین کارگر نیز از ارتفاع سقوط کرده و هم اکنون در خانه در حال استراحت است. گفته می شود به

می طلبد که خستگی کارگران را برطرف کند، این شرایط و امکانات برای کارگران موجود نیست.

تاخیر در پرداخت تسویه حساب کارگران بیمارستان آزادی

تسویه حسابهای بیمارستان آزادی با کارگران ترک کار کرده با ۶ تا ۸ ماه تاخیر انجام می‌شود.

به عنوان مثال کارگری که در اردیبهشت تسویه کرده‌اند از طریق چک مدت داری که برای ماه بهمن و یا اسفند صادر شده است می‌توانند مطالبات خود را وصول کنند.

تاخیر در پرداخت حق و حقوق کارگران شرکت های طرف قرارداد شهرداری اصفهان

۲۴ خرداد: حقوق کارگران شرکت های طرف قرارداد شهرداری اصفهان با تاخیر به آن ها داده می شود. در شرایط اقتصادی کنونی اگر این حداقل حقوق نیز با تاخیر به آن ها داده شود زندگی آن ها دچار مشکلات زیادی می شود.

بلا تکلیفی کارگران آبفای اهواز در دریافت مطالبات معوقه

۲۷ خرداد: ۳۰۰ کارگر شاغل در شرکت آب وفاضلاب اهواز که به صورت قراردادی به عنوان موتورچی و پمپ چی آب در سطح شهر اهواز فعالیت می‌کنند از دو تا یکسال و نیم حقوق معوقه از دو شرکت پیمانکاری «سولاز مکانیک» و «اسکله ساز» طلب دارند. از بهمن ماه سال گذشته فقط در دو مرحله حدود یک میلیون ۶۰۰ هزار تومان بخش از مطالبات کارگران از سوی کارفرمای شرکت اسکله ساز پرداخت شده است.

عدم پرداخت ۳ ماه حقوق کارگران ذوب آهن اصفهان

اتیر: سه ماه است که کارگران ذوب آهن اصفهان حقوق دریافت نکردند و یک سال و نیم است که کسی جوابگوی مشکلات و نیازمندی های آنها نیست.

اخراج و بیکارسازی

تعطیلی کارخانه تولید روغن نباتی فرآورد فریمان و بلا تکلیفی کارگران

کارخانه روغن نباتی فرآورد در ۳ کیلومتری شهر فریمان و در مجاورت بهشت صادق قرار دارد، این کارخانه توسط بخش خصوصی و با هدف تولید روغن خوراکی مایع و جامد، سویا، آفتابگردان و روغن های قنادی و... افتتاح و راه اندازی شد اما این کارخانه از همان زمان افتتاح تا به امروز به دلایل مختلف در مقطعی تعطیل شده و یا کارگران خود را اخراج کرده است. کارخانه روغن نباتی فرآورد با نام تجاری «دامون» در فریمان ۷ ماه است که علاوه بر پرداخت نکردن حقوق کارگران خود قرارداد بیشتر آن ها را تمدید نکرده و در حال حاضر این کارخانه تعطیل شده است و ۴۰ نفر در قالب نگهبان و خدمه در شرکت حضور دارند که آنان نیز حقوقی دریافت نکرده اند

تعطیلی معدن البرز غربی و بیکاری ۴۲۵ معدنچی

معدن البرز غربی تنها نقطه عطف اقتصادی دو منطقه

داشتن احکام مربوط به بازداشت سعید ترابیان مسئول روابط عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد به دلیل عدم حضور ایشان در منزل پس از بازرسی برخی از لوازم شخصی از جمله کامپیوتر و گوشی تلفن و را با خود بردند در طی روزهای گذشته، حکم جلب وثیقه مرخصی زندان آقای سعید ترابیان در رابطه با بازداشت سال هشتاد و نه نیز صادر شده است و نامبرده باید جهت رسیدگی به پرونده خود را با به دادسرا و قاضی ناظر زندان معرفی کند. آقای سعید ترابیان که در اعتراضات صنفی کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در سال ۸۴ بازداشت و پس از آن از کار اخراج شده بودند، با پیگیریهای مستمر در نهایت موفق شدند همراه با دیگر کارگران اخراجی سندیکا، در سال ۸۸ حکم بازگشت به کار خود را دریافت کرده و در شرکت واحد مشغول به کار شوند. سعید ترابیان در سال ۸۹ مجدداً از سوی نیروهای امنیتی و در منزل بازداشت شدند و پس از حدود ۲ ماه بازداشت موقت از زندان آزاد شدند، در نهایت در دادگاه انقلاب به زندان محکوم شد. ایشان با قرار کفالت و وثیقه بعد از مدتی بازداشت دوران مرخصی زندان خود را می گذرانند. قابل ذکر است آقای سعید ترابیان همچون دیگر فعالین کارگری، به دلیل پیگیری مطالبات کارگران همواره از سوی مأموران امنیتی مورد تهدید و ارباب قرار داشته و دارند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن محکوم کردن تعقیب قضایی آقای سعید ترابیان خواستار آزادی همه کارگران زندانی و رفع تعقیب برای همه کارگران حق طلب می باشد. با امید به گسترش صلح و عدالت در همه جهان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه. خرداد ۹۳

دستمزدهای پرداخت نشده

کارگران کارخانه آجر جیل اهواز ۱۱ ماه حقوق طلبکارند

۲۶ خرداد: تعطیلی و تعویق ۱۱ ماه حقوق بیش از ۲۲۰ کارگر کارخانه آجر جیل اهواز. کارخانه آجر جیل از خرداد ماه سال ۱۳۹۲ به دلیل مشکلات مالی تعطیل شده بود در اواخر همان سال (اسفند ۹۱) مجدداً آغاز بکار کرد. در جریان بازگشایی مجدد کارخانه، کارفرما در حضور مسئولان اداره کار شرق اهواز با کارگران توافق کرد که معوقات حقوقی کارگران را به همراه عیدی سالهای ۹۱ و ۹۲ را به حساب کارگران واریز کند که تا کنون این توافق عملی نشده است. در طول این مدت کارفرما حقوق فروردین ماه کارگران را پرداخت کرده است.

عدم پرداخت حقوق و دستمزد ۲۵۰ کارگر شاغل در فاز ۱۷ و ۱۸ عسلویه

اتیر: ۲۵۰ نفر از کارگران شاغل در فاز ۱۷ و ۱۸ عسلویه با عدم پرداخت حقوق و مزایای خود با کارفرما درگیر هستند. علاوه بر تعویق دستمزد، مسائلی چون کمبود امکانات بهداشتی و تغذیه‌ای کارگران ساکن کمپ‌ها نیز رضایت‌کننده نیست. کارگران نیز به عدم امنیت و فشار کار اعتراض دارند.

همچنین شرایط آب و هوایی بالای ۵۰ درجه از روحیه کارگران و کار آنان تأثیرگذار است، و افزون بر اینها دوری از خانواده، تعویق حقوق و دستمزد، شرایط بد آب و هوایی، ساعات طولانی کاری در پایان کار محیط آرامی را

اخبار بین المللی

افغانستان - قطع انگشتان دست یازده نفر، جنایاتی دیگر از طالبان

طالبان انگشت های دست یازده مرد افغان را قطع کرد. نیروهای طالبان انگشت های آنها را به دلیل شرکت در انتخابات قطع کردند. آنها روز شنبه ۱۴ ژوئن (۲۴ خرداد) و در راه بازگشت از رای دادن توسط افراد وابسته به گروه طالبان متوقف شدند. سپس به نقطه ای برده شدند و پس بی حس کردن انگشتشان، آنها را با کارد قطع کردند. نیروهای طالبان انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان را «نمایشی ننگین برای ایجاد یک حکومت جعلی دیگر در افغانستان» توصیف کرده و طی روز شنبه به صدها مورد ایجاد ناآرامی و اختلال در رای گیری دست زدند که در جریان آن دست کم ۴۰ غیرنظامی کشته و بیش از ۷۰ تن نیز زخمی شدند. طالبان در این انتخابات و همچنین انتخابات قبلی همدار داده بودند که انگشتان کسانی را که رای بدهند، قطع می کنند.

پرتغال - تظاهرات علیه سیاست های ریاضتی دولت

هزاران پرتغالی در اعتراض به سیاست های ریاضتی دولت، شنبه ۱۴ ژوئن (۲۴ خرداد) در خیابانهای پورتو، در شمال این کشور تجمع کردند. تظاهرکنندگان خواستار برگزاری انتخابات پیش از موعد و استعفای دولت شدند. آنها معتقدند دولت با سوء استفاده از زمان برگزاری جام جهانی فوتبال و دوره تعطیلات، حقوق کارگران را نادیده گرفته و موجب اشاعه بیشتر فقر در جامعه شده است. انتخابات آینده پارلمانی پرتغال برای پاییز ۲۰۱۵ برنامه ریزی شده است.

فرانسه - تداوم اعتصاب کارگران راه آهن

دو اتحادیه اصلی کارگران راه آهن ملی فرانسه برای ششمین روز متوالی اعتصاب کردند. طرح پیشنهادی دولت برای ادغام دو شرکت اصلی راه آهن فرانسه دلیل نارضایتی اتحادیه های کارگری است. آنها تهدید کردند که اگر پارلمان به این طرح رای مثبت دهد به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

بیش از یک پنجم از کارکنان شرکت ملی راه آهن فرانسه، در این اعتصاب، شرکت دارند. ضرر اقتصادی این اعتصاب، صدها میلیون یورو در روز برآورد می شود. علت این اعتصاب اعتراض به شرایط کار است. این اعتصاب از روز پنجشنبه ۱۲ ژوئن (۲۲ خرداد) به مدت محدود ۳۶ ساعت آغاز شد ولی کارگران تصمیم به ادامه اعتصاب گرفتند.

تایلند - فرار دسته جمعی کارگران کامبوجی از ترس جان

مقامات کامبوج روز یکشنبه ۱۵ ژوئن (۲۵ خرداد) اعلام کردند طی یک هفته اخیر بیش از ۱۱۰ هزار کامبوجی از بیم اقدام مقامات نظامی جدید تایلند بر ضد کارگران غیر قانونی خارجی از تایلند فرار کرده اند. به گزارش خبرگزاری فرانسه از پنومپن، استاندار یکی از استانهای شمال شرق کامبوج که با تایلند هم مرز است، گفت: آنها مانند سدی که شکسته باشد به صورت گروهی به کامبوج باز می گردند. این منبع افزود: تعداد بسیاری از آنها توسط نظامیان تایلندی به مرز انتقال یافتند. این افرد

علت نبودن آمبولانس و دیگر امکانات پزشکی در محل کار، کارگر مسدوم را با ماشین جمع آوری زباله به بیمارستان منتقل نموده اند این کارگر به علت وخیم بودن وضعیتش به تهران اعزام شده است. این گزارش همچنین می افزاید که شرکت هیچ گونه حق عیدی و پاداشی به کارگران نمی پردازد. اتحادیه آزاد کارگران ایران ۲۷ خرداد ۹۳

مرگ یک کارگر بر اثر گاز گرفتگی از چاه آب

این حادثه زمانی رخ داد که تعدادی کارگردرجین بررسی چاه آب در یک ساختمان در حال ساخت در خیابان میدان قیام، خیابان مولوی بودند. که ناگهان یکی از کارگران ۴۰ ساله از افغانستان به دلیل گاز گرفتگی در عمق ۲۰ متری چاه سقوط می کند. مرگ این کارگر به علت گاز گرفتگی توسط عوامل اورژانس تایید شد.

یک کارگر ناسیساتی شرکت راه سازان قم در طس بر اثر برق گرفتگی جان باخت

۲۹ خرداد: «حمزه پور نعمت تملی» هنگام تعمیر کولر آبی یکی از ساختمانهای شرکت راه سازان قم در طس دچار برق گرفتگی شد و در دم جان باخت این حادثه در روستای «دیگ رستم» از توابع شهرستان طس به وقوع پیوسته و کارگر جان باخته ۲۵ سال سن داشته است. مرگ دلخراش کارگر سیمان کار در چاهک آسانسور ۲۴ خرداد در شهرک راه آهن، میدان ساحل، خیابان جوزانی، کارگر ۳۰ ساله ای بر اثر ۱۶ طبقه سقوط در چاهک آسانسور یک پروژه ساختمانی ۲۱ طبقه در حال ساخت به طری دلخراش جان باخت.

گزارش

اصفهان: کمبود نیرو اضافه کاری بدون مزد را به پرستاران تحمیل کرده است

در حال حاضر در بیمارستانها هر پرستار به جای ۳ تا ۴ نفر کار می کند تا این کمبود نیرو تا حدی جبران شود/ حتی بیمارستانی اقدام به جذب نیرو کند، پرستاران تازه کار حاضر به پذیرش حجم بالای کار نمی شوند و در نتیجه پرستاران سابقه دار، مجبور به پر کردن جای خالی نیروها از طریق اضافه کاری های سنگین می شوند. به دلیل پایین بودن دستمزد و سخت بودن شرایط کار، بیمارستانهای خصوصی و دولتی با مشکل جدی کمبود نیروی پرستار مواجه هستند.

۱۵ هزار کارگر ساختمانی در قزوین هنوز بیمه نشده اند

سهیمه بیمه کارگران ساختمانی استان قزوین در سال جاری در بهترین حالت بین ۱۵۰۰ تا ۲ هزار نفر خواهد بود که این سهیمه یک چهارم کارگران ساختمانی متقاضی بیمه تامین اجتماعی را هم پوشش نمی دهد. رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرستان قزوین: بیش از ۱۵ هزار کارگر ساختمانی در استان قزوین هنوز تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی قرار نگرفته اند.

هنگامی که خانه هایشان مورد بازرسی قرار می گرفت از بیم بازداشت و کشته شدن متواری شده بودند. بسیاری از افراد بدون مجوز کار در تایلند به سر می بردند. مقامات نظامی تایلند روز چهارشنبه ۱۱ ژوئن تهدید کردند تمام کارگران مهاجر غیر قانونی را بازداشت و اخراج می کنند.

کارگران مهاجر که از کامبوج، میانمار یا لاوس به تایلند رفته اند، نقش مهمی در برخی بخش های مهم اقتصادی این کشور از جمله ماهیگیری، کشاورزی و ساخت و ساز دارند. بسیاری از این افراد مجوز کار در این کشور ندارند. سخنگوی ارتش تایلند گفته بود: ما کارگران غیر قانونی را تهدید می دانیم زیرا تعداد آنها زیاد است و تاثیر روشنی در خصوص آنان وجود ندارد؛ این موضوع می تواند به مشکلات اجتماعی منجر شود. بنا بر اعلام سازمان های غیر دولتی بیش از دو میلیون کارگر مهاجر در تایلند اقامت دارند. در گذشته مقامات تایلندی چشم خود را روی حضور غیرقانونی این افراد می بستند و این امر برای داشتن اقتصاد پر رونق لازم بود.

بحرین - احتمال اخراج ۲ هزار کارگر اعتصاب کننده

بدنبال اعتصاب بیش از ۲ هزار کارگر کارخانه بافندگی "آل ریفا" برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار، وزارت کار بحرین هشدار داد که چنانچه کارگران به سر کار برنگردند، همگی از کشور اخراج خواهند شد. این کارگران که اغلب آنها از کشور هند و بنگلادش هستند در بیانیه ای ۱۲ خواست را پیش پای کارفرمایان گذاشته اند و اعلام کرده اند که تا دستیابی به مطالباتشان دست از اعتصاب نخواهند کشید. از جمله این خواستها افزایش دستمزد ماهیانه از ۵۵ دینار (۱۴۵ دلار) به ۱۵۰ دینار (۳۹۷ دلار) و بهبود وضعیت غذا و بهداشت خود هستند. مسوول بازرسی وزارت کار گفته است که خودش برای مذاکره با کارگران به کارخانه رفته است ولی کارگران حاضر نشده اند که با وی مذاکره بکنند و گفته اند که خواستهای آنها مشخص است و دست از اعتصاب نخواهند کشید.

سوریه - استفاده سازمان یافته از سلاح های شیمیایی

یک گروه تحقیقاتی در سازمان منع سلاح های شیمیایی اعلام کرده در سوریه مواد شیمیایی سمی مثل گاز کلر به طور سازمان یافته مورد استفاده قرار گرفته است. سازمان منع سلاح های شیمیایی ماه گذشته یک گروه حقیقتیاب به شمال این کشور اعزام کرد تا چند واقعه را بررسی کنند. طبق گزارش اولیه این بازرسان به نظر می رسد اطلاعات جمع آوری شده آنها، گواهی های قبلی ارائه شده از طرف پزشکان را تایید می کند. وظیفه سازمان منع سلاح های شیمیایی تحقیق درباره دهها مورد ادعای استفاده از گاز کلر در حمله های دولت سوریه در استان های حما و ادلیب بوده است. گفته می شد که بمبهای بشکامی از هلیکوپترها پرتاب می شدند. بعد از انفجار، عوارض شناخته شدی مثل درد چشم، خارش پوست و مشکلات تنفسی بروز می کرد و از دهان کف خونآلود خارج می شد. افراد زیادی در این وضعیت کشته شدند. احمد اوزمجو، رییس سازمان منع سلاح های شیمیایی روز دوشنبه گفت که تیم تحقیق به کار با اهمیت خود ادامه خواهد داد و با جمع آوری اطلاعات درست، حقیقت را روشن خواهد کرد.